

قیام اسلام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حسینی مشکان

از ما نخورده باشی

درین چند هفته ها هدا نواع تازه یسی از گروگان گیری بودیم که اکنون رژیم آیت الله آن را آشکارا بعنوان یک حربه سیاسی بکار می برد.

در تهران، یک روزنا مه نگار را امریکائی با زدا شت شد با سعبارت سادتر، گروگان گرفته شد، این روزنا مه نگار را امریکائی "جرالد ساید" فرستاده ویژه روزنا مه مستغذ و پرنیاز "وال استریت جورنال" بود که طبق دعوت جمیوری اسلامی، با گذرنا مهرسی وروا دیدمعتبر، همرا با گروه دیگری از روزنا مه نگاران خارجی به منظور تهیه گزارش از اوضاع جنگ به ایران سفر کرده بود و بعد از آنکه ورا به جبهه بردند و با زگرداندن و درمما حیدر حجت الاسلام رفسنجانی هم حضور یافت تا که آن به آنها مجا سوسی و استفاد از گذرنا مه جعلی با زدا شت شد.

بقیه در صفحه ۱۱۳

پیام دکتر شاپور بختیار

به کمیسیون روابط خارجی احزاب دموکرات مسیحی

آقای رئیس، خانمها، آقایان

با استفاده از فرصتی که در نتیجه حسن ابتکار شما در اختیار نهضت مقاومت ملی ایران قرار گرفته تا در جها رجوب محدودیت زمانی تعیین شده حقایقی دربارا ایران در اختیار شما گذاشته نمودم فیده دستم توجه شما را به بارهای نکات اساسی این مسئله حاد جلب کنم.

اولین جنبه این مسئله جنگ خانما نموز و بی معنایی است که از سال ونیم پیش بدین طرف میان ایران و عراق پیدا می کند و تعداد تلفات و دامن مننه فایعانی که برای طرفین برجا گذاشته هر روز بیشتر عقل را دجا رحیرت می کند، جنگی که آخرین تعرض بزرگ آن که از جانب جمهوری اسلامی آغاز گردیده و هم اکنون

شده در صفحه ۲

هیئت نمایندگی نهضت

در پارلمان اروپا

بختیار را فراتت کرد بهس آقای وزیر بصرفی نهضت مقاومت ملی و جهت عقیدتی آن برداخت، آقای صدیقی مظالمی دربارا جنگ ایران و عراق و قرار داد اجزا بر اظها ردا شت، آقای مجلسی طی بیانات کونا هی دولایحه ای را که عتای نهضت در انگلستان بصویب یا رلمان انگلستان رسانده بودند تقدیم رئیس جلسه کرد. در این دولایحه تحریم فروش اسلحه و لوازمیدکی بکشورهای ایران و عراق و جماعتا با بوزیسیون دموکرات ایران، موردتقا فای بود.

پسنگام طرح سئوالات، یکی از نمایندگان بلژیک از نوع گروهها می که در ایوزیسیون ایران فعالیتد سئوال کرد و یکی از نمایان بینه در صفحه ۲

روز دوشنبه ۹ فوریه هیئتی از نهضت مقاومت ملی ایران در جلسه کمیسیون اروپا، که در ساختمان پارلمان اروپا در بروکسل تشکیل شد شرکت کردند. اعضای هیئت آقایان مادی مدریه، علی شاکری، شاموخ وزیر بودا ریوش مجلسی با عت ۲ بعد از ظهر وادسا لکن کنفرانس شدند، بعد از یخش کتا بچه های بیبا نهی انگلیسی و فرانسسه شامل اطلاعاتی دربارا اصول فکری نهضت و عتای بیدکترنا بوزیسیون، رئیس جلسه آقای "اسملز" از هلند به معرفتی هیئت برداخت و خوش آمدگفت، اعضا، حاضر در جلسه حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر از کشورهای مختلف با زار مشترک بودند. ابتداء آقای شاکری پیام دکتر شاپور

بهمن خجسته

فقط یک پناهگاه

مفیس جها نی، آن است که اروپا در آن درگشود.

بقیه در صفحه ۳

بنا زکی یک روزنا مه آلمانی نوشته بود که با وجود تنشای شدید میان شرق و غرب، بین از جهل سال است که جها ن از نعمت صلح برخوردار است. وی افزود موازینهای که صلح جها نی را در این مدت با لنسبه طولانی تاء مین کرده است، هر چند "موازین" وحشت "نا مدارد، ولی بهر حال چون باعث برقراری صلح شده، با یدبه دیده مثبت در آن نگریمت.

وقتی یک ایرانی این نوشته را می خواند، نمی تواند خشم خود را به آسانی فرو خوردا زا بنگه برای اروپا بیان اگر در اروپا جنگی نباشد، صلح، آنهم در مقیاس جها نی، برقرار است، و جنگ، با زهم در

بهاران های تهران

از ۲۲ تا ۲۶ بهمن ماه تهران ۱۰ بار باران شد. گاه ۳ بار طرف بکروز، به این ترتیب مرحله جدید جنگ شهرها، دانگیر شهر تهران هم شد.

روز پنجشنبه هوا بیما های عراقی ۱۰ شهر ایران را بمباران کردند و تهران نیز ۳ بار بمباران شد: صبح زود ساعت ۸ شب و اندکی پس از نیمه شب.

اما مقام های جمهوری اسلامی دربارا ره جزئیات بمباران ها و انفجارها تا به حال حرفی نزده اند و تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی به سخن تصاویر آن نمی بردارد.

وسایل ارتباط جمعی رژیم دربارا ره بمباران صبح پنجشنبه فقط گفتند یک بمبار در شمال شرق تهران، موجب بینه در صفحه ۲

چرا جنگ داخلی؟

اگر رژیم خمینی فروریزد، با اگر خمینی بمیرد و جانشین او از درون رژیم اسلامی نتواند قدرت را قبضه کند، آیا جنگ داخلی در ایران درخواهد گرفت؟ آیا در این جنگ داخلی، نیروهای چپ فرصتی برای بقدرت رسیدن بدست خواهند آورد، و اگر نتوانند بر اوضاع مسلط شوند، راه دخالت قدرتی بیگانه را در ایران هموار خواهند ساخت؟

چنین پرسش های گاهکا ه در مطبوعات بین المللی مطرح می شود و گزارشگران و مفسران، بنا به سلیقه یا جهت گیری سیاسی و با آرزوی خویش، می کوشند با سخنی بدان دهند و اگر فرصتی دست داد، چنانچه راهی ببیندیشند.

بقیه در صفحه ۴

قیام ایران دو هدفندگی

در صفحه ۳

هشدار شوروی

دولت شوروی "بیری دلیل راه" بشمار می آید، به علی اکبر ولایتی گفت که جمهوری اسلامی باید هر چه زودتر به این جنگ خونین پایان دهد و نگذارد که کورستانها پیش از این از کشتگان جنگ بر شود.

این سخنان، که خبرگزاری "تاس" آن را "صریح و جدی" خوانده است، از زبان بقیه در صفحه ۱۱

ظهر روز ۲۴ بهمن، رادیو دولتی جمهوری اسلامی، دربارا ره دیدار علی اکبر ولایتی با گرومیکورئیس جمهوری شوروی خبری جزایی بخش نکرد که این دیدار صورت گرفته است، علاقمندان، به سه وسیله رساندهای بین المللی دریا فتند که در آن دیدار چه گذشت، گرومیکو، که نزدیک سی سال سیاست خارجی شوروی را اداره می کرده اکنون در امور خارجی برای

گژدم آخوندی

علی اکبرناطق نوری، وزیر پیشین کشور و نماینده کنونی مجلس در جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی پیش از دستور می گوید که در مجلس اسلامی و بیرون از آن، به اصطلاح "سزکان قوم" و روحانمان نامسدار چنان مورداهانت قرار می گیرند که حتی در رژیم شاه نیز "کسی جرات چنین هتاک را نداشت."

علی اکبرناطق نوری، وزیر پیشین کشور و نماینده کنونی مجلس در جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی پیش از دستور می گوید که در مجلس اسلامی و بیرون از آن، به اصطلاح "سزکان قوم" و روحانمان نامسدار چنان مورداهانت قرار می گیرند که حتی در رژیم شاه نیز "کسی جرات چنین هتاک را نداشت."

بقیه در صفحه ۴

هیئت نمایندگی نهضت در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۱

بنا شده ملزمت در پارلمان اروپا مطالب
کونا هی دربارہ فعالیت گروههای مذهبی
افراطی مسلمان در کشورهای امریکا
اطیار دادند. نماینده های از استانبول از
حکومتی نمایان سن نهضت مردم ایران
سئوالاتی کرد و نماینده دیگری از استانبول
خواستار نمایان بیشتری بین بعضی و
احزاب دموکرات مسیحی شد. آنجوریک
سخنران نماینده آلمان در جلسه بود که
مطالبی دربارہ کنفرانس ضلعی مونتیجو
گروه دانا لوک و نمایان نامین نهضت
دموکرات مسیحی نمایان دادند. او معتقد
بود که احزاب دموکرات مسیحی با
احزاب تاریخی خود را بکنند و نهضت
مقاومت ملی ایران را بعنوان سرگرمی
کردند و دموکراتیک آلمانیستون ایران
تک اندوز آن حمایت معنوی بنما بند.
آقای مجلسی در حاشیه اظهار داشت:
سهراس مطالبی را که بیرون کاغذ
شماره آورده و حقیقتاً از اعماق قلبی
برخاسته بعنوان خدا حافظی و یادآوری
ایران را در آن آقای رئیس، خانم همسر و
آنها با آن شما در برابر استخمس
تا رنجی قرار گرفته اند. شما همسوز
میخواهید انتخاب کنید و در برنده است.
از شما هم انتظار دارم سعی کنید
انتخابات تاریخی که بین نمایان شما
ارنجک دوماهی متراکم شده و در باره

اسائین و هیئت ردها رخطای با مره شدند،
مرکب نشوید، ما ملاتفاً تنها بی را با شما
در هلسند، خونخواهیجا دانته ایم. دسکر
در آینده نمی شوا شد مدعی نبود که بید
ما هیئت رژیم ایران و عقاید ما آتشی
نداستند و بیجا رت دیگر نمیخواهید
آینده از خود رفع مسئولیت کنند.
حنا حما در ایران موفق نشویم
آلترنا تپوها ی خطرناکی در استنظار ایران
و ملت ایران و مهمترا آن در استنظار
منطقه، دموکراتهای غربی و صلح جهانی
است. ما دارای می کنیم که چندی بین
عددی معتقد بودند که ما با شما در
با زرگان می نزدیک ما رژیم اسلامی رژیم
را محسوسه رعایتاً اعتدال می کنند. ولی
در حقیقت از آن روزنا بحال فعلیست های
حمکی رژیم را عملی تروریستی در خا ور
سپاسته رویدست گذاشته و نزدیک امریکا
با رژیم نشیجهای جزئیات خودی رژیمها
ما هم نظور که ما هم می کنیم. در
ما را بر گرفتن مردم بیگنا دند است.
سپاس از شروع جلسه آقای هیئتمسدر
استودیوی را دیویر و کسل حضوراً و
در یک مصالحه را دیویتی سرک کردید.

(*) سخن بیام در همین شماره جداگانه
حاج شده است

سائگرده فاجعه

اعترافات

حاسوس انگلیسی!

نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان
با صدور اعلامیه ای به مناسبت سالگرد
فاجعه ۲۲ بهمن ۵۷ و بیجا مدعی استقرار
رژیم جمهوری اسلامی، از مردم بیسوان
خواست که متحد و یکجا رجه در راه نمایان
دادن به جنگ و برقراری حاکمیت ملی
میانه را پیش ازین گسترش دهند.
در این اعلامیه پس از اشاره به حکومتی روی
کار آمدن جمهوری اسلامی آمده است:
اکنون مردم میهن ما روزانه های گزافی
بخاطر موجودیت این رژیم می بردند.
جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قدمی
در راه ایجاد درقا و آسایش مردم برداشته
و نه تنها کمترین آزادی و حقوق اولیه
مردم را به آنها ن ارزانی ندادشته است
بلکه از همان روزهای نخست با اعدای
انقلابی، انتخابات قلابی و با لاخر
تثبیت حکومتی بر مبنای اراده و خواست
"ولایت فقیه" عملاً بر شما رزها شده
مردم آزاده ایران برای رسیدن بدانها
قبلاً مکرده بودند، خط بطلان کشید. مردم
ایران در شرایطی که مکران هم بود و هست،
از طریق گفتگو و مذاکره فرا هم بود و هست،
دلیلی برای اندامه جنگ نمی بینند، ولی
رژیم خمینی جنگ را رحمت و برکت تلقی
می کند و کماکان آن را وسیله ای در خدمت
پیشبرد هدف های خود یعنی توسعه انقلاب
اسلامی به کشورهای منطقه و جهان می داند.
نتیجه کشته شدن مدها هزار ایرانی،
ویرانی مراکز صنعتی و خانوارها و کشته
مردم میهن ما بوده است.
در بیان اعلامیه خود، نهضت مقاومت
ملی ایران شاخه آلمان، تاء کید می کند:
نهضت مقاومت ملی ایران به عنوان
سازمانی دموکراتیک در صدد است با الهام
از بنیاد ملت ایران، رژیم ملایان را
سرنگون کند و با نمایان دادن به جنگ
خانما نسوزگونی و استقرار حاکمیت
ملی و دموکراسی به خواست های به حق
مردم ایران جامعه عمل بیوشاند. پس از
سالها جنگ و دیکتاتوری، اکنون زمینه
افتاد ما تجدی در این راه یعنی از پیش
وجود دارد و نهضت مقاومت ملی ایران به
رهبری دکتر شاپور بختیار از زکا بک
هموطنان آزاده انتظار دارد که تمام
کوشش و توان خود را در این شرایط بحرانی
و حساس مملکت، برای تحقق بخشیدن به
هدف های یاد شده و استقرار یک حکومت
ملی بکار گیرند.

پیام دکتر شاپور بختیار به کمیسیون روابط خارجی

احزاب دموکرات مسیحی

بقیه از صفحه ۱

دست و پایی که در وجودشان تجسم یافته
اقدامات نیم بند و سیاست دست روی دست
گذاشتن و دادن امتیاز حاصلی ندادند
همانگونه که من از ابتدای بروز این
بیماری تاکنون همواره تکرار کرده ام
علاج آن تنها در ریشه کن ساختن آن است.
شمل کردن آنها نت به آزادی و حرمت
انسانی، بویژه در کشوری با داده های
جمعیت شناختی و استراتژیکی ایران
نمی توان دخالی از نتایج و خیم در زمینه
بین المللی و خاصه برای صلح جهانی
باشد.

در جریان است بنا به ادعای طرفین
جنگ مجموعاً "بیش از صد هزار نفر تلفات
داشته که بیشتر آنها از میان جوانان ۱۲
ساله تا ۲۵ ساله ایرانی بوده اند که بیجا
به زور و یا تحت تاء شیروعی منزوی می
کند برای این آخرین سالهای قرن بیستم
شرم آور است، به جبهه گسیل شده اند،
صرفنظر از دهها هزار اردوخواه ای که
تحت فشار رژیم کوری نومید کننده حاکم در
ایران حاره دیگری جز رفتن به جبهه
ندارند.

اگرچه در این مورد طرف ذینفع اصلی
ملت ایران است که آزادی دموکراسی و
مقاومت در برابر حکومت جبار ر قریب
یک قرن پیش تاکنون برای او شمره ای
اندرک بیار آورده است و این خود مطلبی
است که شه شرمین و شوپولیتیک و رفتار
قدرت های خارجی در آن نا چیز نبوده
معدلک تنها بدچنین نتیجه گرفت که
کشورهای دموکراتیک غرب با بدنسبست
به آینده دموکراسی در کشور ما بی اعتنا
باشند، بدتر از این، با رفتاری آمیخته
به ضعف و مصالحه آمیزه نظام جبار آن
کمک کنند.

حال آنکه لازم است که وضع دردناک دهها
شهر ایران را که از چندین هفته پیش به
این طرف طوفانی از بمب های عراقی بر
سرشان فرود می آید، اینجا یادآوری
کنم؟ سب های که هر روز صدها قربانی
بر جای می گذارد، مثل شاکردان خردسال
که اخیراً " روی سیمکت های کلاس خود
در فلان شهر جان سپردند یا بیماران
در شهرداری کشته شدند، بمباران های
که رژیم غیر مسئول جمهوری اسلامی که
اعمال خود موجبات آنرا فراهم نموده،
حتی کمترین آمادگی برای دفاع در
مقابل آنرا فراهم نکرده است.

ملت ایران در مجموع خود دموکرات های
که نماینده آلمان های واقعی او هستند
بهمان اندازه به همدردی و همبستگی
دموکرات های مغرب زمین نیازمندند
که اینان نیز به توبه، خود نمی توانند
زمان درازی از وجود یک دولت ایرانی
دموکراتیک، با ثبات، تکران صلح
جهان و سزای احترام جامعه بین المللی
بی نیاز باشند.

ادامه بلا انتهای این جنگ که هیچک
از دو ملت نه خواستار آن بوده نه آنرا
تصویب کرده است، و نیز چگونگی رهبری
آن مرادار میسازد که به جنبه دیگری
از مسأله ایران یعنی موضوع نقض
سیستم تیک حقوق بشر از طرف رژیم
تاریک اندیش و خشنی بپردازم که هر چند
جنايات خود را بنام دین مرتکب میشود
حتی از ابتداء و آزار اقلیت های مذهبی
نیز با ندادند، رژیمی که نه تنها در داخل
موزه های خود با تیکه برشوه رعاب و
وحتی بیرحمانه حکومت می کند، بلکه
همچنین با گستردن شبکه های تروریسم و
گروگان گیری خود در جهان و با مداخله
آشکارا و مستقیم در امور داخلی
همسایگانش با توسل به آشوبگری و جنگ،
صلح و امنیت خاورمیانه و جهان را به
خطری اندازد.

خساراتی شد و چند نفر کشته شدند. همین
کلی کوی درباری ره میباران مسای
بندی ادا شده است.
روزیکنش ۲۷ بهمن ما در نیز تهرهای
مختلف ایران بمباران شد، و در همین
حال، دو هوا سیمای میراز عراقی، بر
اسر شلیک مومک های زمین به هوای
ها و گاز سوزی جمهوری اسلامی، بر فراز
نهرهای اصفهان و مسجد سلیمان سا قسط
شد و یک خلمان اسر کردید.
بی از این نمایانها، مبر حسین
موسوی نخست وزیر روزگسبه سردم
ایران را در محدوده دهی دهی بسیح
عمومی در برابر نمایانها، بیسسه
مقاومت بیشتر در برابر نمایانها
خواهی دعوت کرد.

آیا این جنگ میتواند بدون حمایت
و حتی همدستی عده زیاده ای از دولت ها و
از آن جمله کشورهای دموکراتیک کسه
ملاها می کوشند با به گروگان گرفتن شاری
از اتباع بی گنا همان مرعوبشان سازند
ادامه میاید، کشورهایی که البته محذوب
منافع تجارتی کم و بیش مهمی نیز
میشوند که برای تغذیه ماشین جنگی
خمینی و کمک به بر سر پا نگه داشتن رژیم
او علی رغم بیزاری روز افزون اکثریت
بزرگ ملت ایران و وجدان جهانی کفایت
می کند؟
اما تاریخ معاصر جهان بخوبی نشان
داده است که در برابر رژیم های از این

بمباران های تهران

بقیه از صفحه ۱

خساراتی شد و چند نفر کشته شدند. همین
کلی کوی درباری ره میباران مسای
بندی ادا شده است.
روزیکنش ۲۷ بهمن ما در نیز تهرهای
مختلف ایران بمباران شد، و در همین
حال، دو هوا سیمای میراز عراقی، بر
اسر شلیک مومک های زمین به هوای
ها و گاز سوزی جمهوری اسلامی، بر فراز
نهرهای اصفهان و مسجد سلیمان سا قسط
شد و یک خلمان اسر کردید.
بی از این نمایانها، مبر حسین
موسوی نخست وزیر روزگسبه سردم
ایران را در محدوده دهی دهی بسیح
عمومی در برابر نمایانها، بیسسه
مقاومت بیشتر در برابر نمایانها
خواهی دعوت کرد.



گردم آخوندی

بقیه از صفحه ۱

و جان کلام، درست در همین جا است. در آستانه نهمین سالگرد انقلاب اسلامی و بقدرت رسیدن حکومت خمینی، جنبش سخنانی، نهم زبان یکی از سرشناسترین کارگزاران رژیم، برای ستی شنیدنی است. هیچ چیز چون بقدرت رسیدن حکومت ملاحظه نمی توانست ما هیت چنین حکومتی را بر ملا گرداند. آنان که در مجلس شورای آخوندی، به کارگزاران این حکومت دشنام می دهند، در واقع ناسازمانی گویند، آنچه را می گویند که سزاوار است، دست کم یک مورد پیدا شده است که برخی نمایندگان مجلس اسلامی زبان حال اکثریت ملت ایران با شنیدن رژیم آخوندی دارد که در خود بر سر خویش نبش می زند.

این حکایت از آن دارد که جریان زوال رژیم، که از زمان نخستین ماه های پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد، شتاب بیشتری یافته است. دیگر هیچ چیز نمی تواند جلوی این سقوط شتابان را بگیرد. آیت الله خمینی که هر چند نگاه یک با رمی خوانست ترمزها را بکشد و حرکتی با زکشت به سوی زوال را ندکی کند ترکند، امروز با دیگرانی آن ندارد که ترمزها را بکشند این که دریا فتنه است کشیدن ترمزها دیگر سودی ندارد از روال امور چنین بر می آید که بودن یا نبودن او دیگر در سرنوشت رژیم اسلامی تا شیرت تعیین کننده ای نخواهد داشت. با خمینی یا بدون خمینی - سقوط ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۱

ولی ختم انسان ایرانی هنگامی بیشتر بالامی گیرد که در آن روزنا همی خوانند قدرت های بزرگ این بصیرت را داشته اند که آتش جنگ را از نقطه های مرکزی جهان، به مناطق حاشیه ای دنیا انتقال دهند. بی آنکه پای خودشان بدان کشیده شود. و این خشم این بار متوجه قدرت های بزرگ نیست، بلکه متوجه رژیم ها می شود که، با ناسته یا ناسته، آتش جنگ ها را در این می زنند.

اگر در گذشته، غرب خود درگیر جنگ می شد و در نتیجه سلاح های ساخت کارخانه های اسلحه سازی خود را مصرف می کرد، امروز می گذارد که دیگران با سلاح های و بچنگند، بی آنکه خون انسان غربی بر خاک ریخته شود. خمینی آب به آسیاب کارخانه های اسلحه سازی می ریزد. خمینی کمک کرده است که آتش جنگ بسه نقاط حاشیه ای جهان منتقل کرده. برای اسلحه فروشان جهان همین به حساب می آید، آنها را از شعارهایی که خمینی می دهد، پروا نمی است.

برای سیاستمداران جهان غرب، جنگ جمهوری اسلامی با عراق، حداکثر یک جنگ فراموش شده " است. مهم برای آنان - فقط این است که سلاحهاشان مصرف شود، و هیچ باکی از این ندارند که تقریباً نیا جنگ در برابر سلاحهای مرگبار وسیله ای برای دفاع دارند یا ندارند. در واقع نیز، هنگامی که سخنگوی شورای عالی دفاع، نخست وزیر، و وزیر کشور جمهوری اسلامی به مردم فقط توصیه می کنند که در خانه های خود پناه بگیرند، بیایند از حمله های هوایی مسمون باشند، دیگر چه توقعی می توان از سیاستمداران خارجی داشت؟

فقط یک پناهگاه

در این شهرهای انباشته جمعیت - در تبریز، در اصفهان، در سیواس، در کرج، در تهران و بسیاری شهرهای دیگر - مردم بیشمار وقتی یک سرسنا معمولی ندارند که بتوانند از آنها در برابر دویساران، سرما یا گرما، میانگند، چه رسد به پناهگاهی که بتوانند آنان را از آسیب حمله های هوایی در زمان نگاهدارد.

براستی کارگزاران رژیم اسلامی خیال می کنند که پناهگاه چتر و بمباران، با ران است که به محض آنکه با ران گرفت، انسان بتواند آن را با زکند تا بیایران بر سرش نبارد. حجت الاسلام علی کبیر محتشمی که به مردم توصیه می کند برای خود پناهگاه های خصوصی بسازند، بیایستی پناهگاه های هوایی را نمی اندازد از قدرت بمب های ویرانگر خبر ندارد.

در دناک ترا این توصیه: ابلهان، آماری است که اومی دهد: می گوید اگر مردم به توصیه دولت گوش کنند و پناهگاه بسازند، تلفات بسیار آنها فقط به ۲۵ درصد خواهد رسید. فقط یک حجت الاسلام رژیم تهران قادر است با آمار، که امروز به صورت علمی درآمده است، چنین سرری بر خورد کند.

شما شش سال ونیم است که ای ملت را به جنگی کشانده اید که جز دولت ایران و عراق همه از آن به گونه ای سود می برند، با جز دولت تا مبرده هیچکس از آن زبانی نمی بیند. چگونه در طول این مدت به فکر ساختن پناهگاهها و سیستم های هشدار سریع نیفتادید تا جراثیمی تلفات

مردم بیگنا در جنگ به حداقل برسد؟ و شما را از این نیستید که بیایینهمه غفلت از امنیت مردم و بی اعتنائی به جان آنان، به جای آنکه خود تقصیر را به گردن گیرید، کنا د آنها را به گردن مردم می اندازید؟

آقای خمینی که در سخنرا نیها پیش خسته از این نمی شود که بگوید " ریشه " فساد را باید کند " چرا در مورد جنگ این ریشه کنی را فراموش کرده است؟ چنانمی پذیرد که ریشه همه این کشتارها و ویرانی ها که به دولت مسلمان می رود، در خود جنگ است؟

اگر جنگ یا بیاید، نه مدرسه ای بمباران خواهد شد و نه بیما رستانی، نه کارخانه ای به موشک بسته خواهد شد و نه کشتی نفتکش. ولی اگر بیایینهمه دلیلی که علیه جنگ وجود دارد، دلایل بسیار دیگری نیز بیفزاییم، خمینی دست از جنگ بر نخواهد داشت، تا وان جنگی را که اومی خواهد، دولت ایران و عراق دارند می بردند.

با اینهمه حجت الاسلامهای ریز و درشت رژیم تهران می توانند توصیه ای بسا و بکنند، و آن اینکه به جای ساختن پناهگاهها، که غیر ممکن است، کاری بکنند که ممکن است: یک پناهگاه در جماران یا هر جای دیگری برای خود بسازد و در عوض، شبکه دفاعی جماران را به دفاع از مناطق مسکونی اختصاص دهد.

قیام ایران دو هفتگی

اخیراً " هسته های نهضت ملی و ملی ایران در داخل کشور، که ما مورب است توزیع قیام ایران در سطح مملکت را بر عهده دارند - به ملاحظه مشکلات توزیع نشریه در قطع کنونی - پیشنهاد کرده اند که کوتاه شده، مقالات قیام ایران، در قطع کوچک چاپ و برای آنها ارسال گردد تا بر مشکلات و خطرات کنونی توزیع فائق آیند.

اس نیشنل در شورای نویسندگان قیام ایران بررسی شد و اصولاً مورد موافقت قرار گرفت.

ولی از آنجا که چاپ و انتشار قیام ایران به صورت قطع مختلف، شامل هزینه های اضافی می شود، در وضع کنونی که عمده امکانات نهضت متوجه داخل کشور است، افزودن هزینه تا زهای بر بودجه نشریه مملکت دیده شد. در نتیجه بنا به توصیه شورای نویسندگان و تصویب هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران، قرار بر این شد که قیام ایران پس از این، بجای هر هفته، هر دو هفته یکبار منتشر شود و هزینه چاپ نشریه مخصوص ارسال به داخل ایران از این امر تاء عین گردد.

سنا بر این شماره، آئینده تمام ایران بجای سخنند ۷ اسفند یا هر ۲۶ فوریه - روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۶۵ برابر ۵ مارس ۸۷، منتشر خواهد شد.

تدبیری است که ترتیبی اتخاذ خواهد شد که مشترکین گرامی ما، که وجه اشتراک یک ساله با ما هم برداخت کرده اند، از این تعبیر آنگاه نشنا زبانی نبینند و در مجموع، ۵۲ یا ۲۶ شماره نشریه را دریافت دارند.

تما بزی قائل شد، رژیم بسیار بیشتر از آن که در صد کسب حایان تا زه باشد، در اندیشه آن است که چگونه این هواداران اندک را از دست ندهد. نمایش تظاهرات در ۲۲ بهمن نیاید هیچکس را در باره پناهگاه اجتماعی با ریک رژیم به اشتباه ندارد. و رشکسته ترین حکومت ها نیز می توانند با صرف میلی بول و زور و تبلیغات تا چند هزار نفری را به خیا بنا بکشاند، خامه آن که حکومت بر نیای زمینهای روزانه مردم نظارت داشته باشد و بتواند با داشتن شرکت در تظاهرات را با آنچه در اختیار دارد، بدهد، و از این گذشته از مکاناتی فنی که رسانه ها برای بزرگنمایی چیزهای کوچک دارند، استفاده بیدریخ کند.

بیگمان مورخان که در آینده شرح رژیم اسلامی را خواهند نوشت، به تحوروشنی نشان خواهند داد که این رژیم، پیش از آن که از حیث اقتصادی و سیاسی ورشکسته شود، از حیث اخلاقی ورشکسته شد.

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

که همواره بانگای سرد و حسا بگرا صور سیاسی جهان را می نگرند، حتی کفتسه بود که این رژیم بیش از یک سال نخواهد پایتید. با اینهمه مجموعه ای از اوضاع و احوال بین المللی - مساعده حال رژیم و سیاستها عد برای ایران - سبب گردید رژیم آخوندی عمری هشت ساله بیداند. درست برابر با سالهایی که آیدی امین در اوگاندا پایتید!

ولی این برآورد ها هرگز مانع از آن نشد که مشا هده کنندگان و مفسران، جدی تر در این پیش بینی خود تجدید نظر کنند، که حرکتی با زکشت رژیم اسلامی به سوی سقوط است. اگر در مساعده عدم دقتی وجود داشت، در سرعت این حرکت بود نه در جهت آن.

رژیم تهران، با هرالی که از عمرش گذشت، طرفداران بیشتری را از دست داد و به همان میزان مخالفان بیشتری پیدا کرد. در آغاز انقلاب اگر کسی می گفت که حکومت پایکا به مردمی ندارد، به همسان اندازده چار اشتباه شده بود که امروز بگوید حکومت پایکا به مردمی دارد.

هیچ برآورد متکی به واقعیتی بیش از ده درصد طرفدار برای رژیم قائل نیست. تازه از میان این ده درصد به شواری می توان میان معتقدان واقعی و فرصت طلب ها و تان به نرخ روز خورها

چرا جنگ داخلی؟

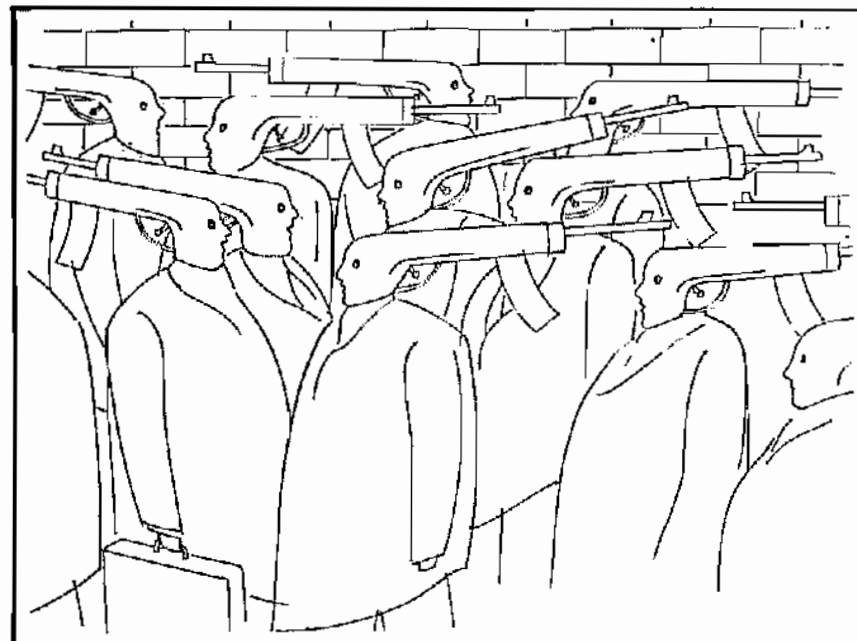
بقیه از صفحه ۱

برخی کسان منظره یک جنگ هولناک داخلی را، بسا خونین و طولانی تر از جنگ داخلی لبنان، سرازیر و خیمینی با درحیات وی اکثرها قدرت از دست می‌گازران رژیم بدرود، ترسیم می‌کنند. آنان می‌گویند بسیار مدتها پیش جنگی، خاصه اگر طولانی شود، به هیچ روی درخور پس یعنی نسبت، اینان راست می‌گویند، اما به یک شرط و آن اینکه مرگ خیمینی و سرور رفتن می‌را از دست جانشینان اسلامی او، ایران را برآستی درآستانه جنگی داخلی قرار دهد.

استناد آنجا غالباً "لبنان است، می‌گویند مگر بیشتر از زده سال نیست که جنگ داخلی در این سرزمین آغاز شده است؟ و می‌افزایند: چه کسی میتواند بگوید که این جنگ با زده سال دیگر نیز نباید؟

مقابل آن، اسرآن بالستان، اگر از راهی جهت درست باشد، به هر حال یک انگال بزرگ و بر طرف نگردنی دارد. هر جنگ داخلی در حاشیه‌های درو هله، نخست از عناصری تنبیه می‌کنند که در خود آن حاشیه وجود دارد و در وهله دوم از عواملی مایه می‌گیرد که از بیرون بر آن حاشیه تا شیری می‌گذارد. جنگ داخلی در لبنان بدون اینهمه عنصر مخالفی که در لبنان هست - شیعه‌سنی و دروزی و فلسطینی و

مستقل برسمیت نمی‌شناسد، نه تنها آن را منطقه نفوذ طبیعی، بلکه جزئی از قلمرو دولتی خود می‌داند. تمامه نمی‌تواند که رژیم دمشق در لبنان نه سفارتخانه‌های دارد و نه سفیری. در پشت این امر دیپلماتیک، یک ادعای ارضی تاریخی



نهفته است. گرایش در لبنان همیشه در جهت گریز از دولت مرکزی بوده است، و این دلایلی تاریخی، سیاسی، مذهبی و قومی دارد.

عناصری که در لبنان بر شمرده می‌شود، یا از حاشیه، ایران بکلی غایب است، یا در حالتی چنان ضعیف وجود دارد که نمی‌تواند

مسحی (از تاخت‌های گوناگون آن بگذریم) - و بدون تاثیر که کشورهای منطقه - بویژه سوریه و اسرائیل و جمهوری اسلامی - بر حوادث لبنان می‌گذارند، در نمی‌گرفت و اگر هم در می‌گرفت، چنین طولانی نمی‌شد.

سوریه حتی لبنان را به عنوان کشوری

تا شیری تعیین کننده در سر نشود - کشور داشته باشد. در ایران، به رغم دوره‌های گوناگون طولانی آسوب و سی شباتی - گرایش همواره به سوی یک قدرت مرکزی بوده است. کسانی که نگران آن هستند که پس از خیمینی، دوران آشفتگی با حالتی شبیه جنگ داخلی طولانی شود، از یاد می‌برند که هشت سال رژیم اسلامی را اساساً باید جزو همین دوران آشفتگی بشمار آورد.

جنگ داخلی در ایران اگر رژیم خیمینی سقوط کند و جانشینان او نتوانند خسلا قدرت را برگردانند پیشگویی است که جانشینان خیمینی می‌کشند از آن بهره برداری تبلیغاتی کافی نیز نکنند، بدین معنی که او نمودار زندان جز تحمل همین حکومت یا جنگ داخلی راه دیگری ندارد.

به همین دلیل که رگزاران رژیم زسخنان تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه به خشم آمده اند که گفت: در صورت سرنگون شدن خیمینی نیروهای طرفدار مشروطه در ایران بقدرت خواهند رسید. این پیشگویی مهمتر از آن است که یک تسویه حساب با رژیم خیمینی به حساب آید، اوزال می‌خواهد بگوید گرایش به همبستگی و وحدت ملی در ایران، اگر بر چرخ مشروطه برآورد شده، نیرومندتر از آن است که عناصرا مخالف بشوند و کشور را به ورطه جنگ داخلی درآند.

رژیم نیازمند

شنا سیم وجود داشت، امیرا توری همانی بود که برای شرکت در جنگ اول جهانی در حال تلاش و تجزیه بود. حال نویسنده، کیهان چگونه چنین بیکره در حال تجزیه‌ای را یک "کشور مقتدر" می‌خواند، شما ند.

نویسنده روزنامه، مصادره شده چاپ تهران می‌نویسد ترکیه اکنون نوا نمانده‌ای است که به شکرانه مدقه‌های با زار مشترک و نا تونزدگی می‌کنند و گس این مدقه‌ها نبود، می‌بایست گفت: وای به حال ترکیه، و طرفه اینکه این سخنان هنگامی از قلم نویسنده جاری می‌گردد که جمهوری اسلامی در چهار رجب یک قرآنه ۳ میلیارده دلاری، از محکمناشی ز فروش نفت می‌دهد و کالاهای ساخت ترکیه وارد می‌کند.

درست است که ترکیه نیازمند کمک‌های اقتصادی اروپا و آمریکا است، ولی نیازی که امروز جمهوری اسلامی به ترکیه دارد، هیچ کمتر از نیازی نیست که ترکیه را به اقتصاد جهان غرب پیوند می‌دهد.

اگر ترکیه نوا نمانده اروپا است، پس در یاره جمهوری اسلامی چه می‌توان گفت که تا بدین پایه نیازی نماند این نوا نمانده شده است؟ پس در یاره اظهارات نخست وزیر رژیم تهران چه می‌توان گفت که ترکیه را مدام یک "کشور دوست و برادر و همکش" می‌خواند؟

یا نخست وزیر اسلامی نمی‌فهمد چه می‌گوید یا روزنامه‌ها کیهان و نهادها انقلابی نمی‌فهمند چه می‌نویسند. البته واقعیت سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینکه نه روزنامه‌ها کیهان، نه نهادهای اسلامی و نه حوزه‌های علمیه هیچکدام نمی‌فهمند چه می‌گویند.

در خوردیادآوری است که سیاستمداران ترکیه برای نخستین بار نیست که آمادگی خود را برای میانجیگری در جنگ جمهوری اسلامی با عراق اعلام می‌کنند، ولی این هرگز سبب نشده که روزنامه‌های رژیم پهلوان بنامند. رژیم تهران از آن گفته‌های تورگوت اوزال که در رسانه‌های خود به چاپ زده، نا راحت نیست، از آن سخنان نخست وزیر ترکیه خشمگین است که در رسانه‌های خود چاپ نکرده است.

این تا زگی ندارد که رسانه‌های رژیم تهران و حوزه‌های به اصطلاح علمی و انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و موسسه‌های از این دست، حکومت ترکیه را مورد حمله قرار دهند و به بنیان‌گذاران ترکیه، نوین‌ها انت کنند، خود خیمینی نیز از توهین به آتا تورک هیچ دریغ نکرده است. زیرا آتا تورک، این مصلح و نوآور نماند، مظهر جنبشی است که درست در جهت عکس ایدئولوژیهای تاریک اندیشی چون اسلام‌آیت‌الله خیمینی عمل می‌کند. حمله رژیمی چون رژیم اسلامی تهران به دولتی چون دولت غیر مذهبی ترکیه هیچ شگفتی ندارد.

شگفتی بلکه از اینجا است که نویسندگان روزنامه‌ها کیهان به انداز یک کودک دبستانی اطلاعات تاریخی ندارند. نمی‌دانند که پیش از بقدرت رسیدن آتا تورک اطلاعات ترکیه‌ای به صورتی که امروز می‌

بیجا ره آن خوانندگان می‌که با بدایات تاریخی خود را از روزنامه‌ها کیهان (چاپ تهران) بدست آورند. این روزنامه در شماره ۱۹ بهمن خود در یادداشتی دربارۀ سخنان تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه، در ایالات متحد آمریکا، می‌نویسد: "تا بدایات تاریخی نیابند بگوئیم چگونه مملکت مقتدر ترکیه با روی کار آمدن آتا تورک تحت تا شیری دستورها عملیهای ضد فرهنگی و ضد اسلامی با شتاب زاید الوصفی به صورت یک کشور نیمه منعتی وابسته به اروپا درآمد."

ظاهراً "روزنامه‌ها کیهان" از آنرو به تورگوت اوزال حمله کرده است که وی در ایالات متحد گفته بود برای آزادی عراق سایر روزنامه‌ها آمریکا می‌گویند که در ایران با زداشت شده بود، میانجیگری کرده است، و افزوده بود که اگر آمریکا بخواهد، می‌تواند به میانجیگری میان واشنگتن و تهران ادا دهد.

این سخنان نخست وزیر ترکیه البته به نفعی برای مقاله‌ها نماند آ میز روزنامه‌ها کیهان بیش نبود. حقیقت این است که روزنامه‌ها کیهان از این عصبانی است که اوزال در مصاحبه‌های با روزنامه‌ها و ایننگتن ست گفته بود پس از سرنگونی رژیم خیمینی، نیروهای مشروطه خواه و ملی ایران به رهبری سا بورخیتا بقدرت را در دست خواهند گرفت.

دیپلمات‌های بازجو

هفته‌ها به "باری ماچ" چاپ بارین فاش گردید یکی از گروگانهای فرانسوی که حندی قبل موفق شد از اسارت رتگه خود در سوریه بگریزد و در آنجا زویمان خود را در بین دیپلماتهای سفارت جمهوری اسلامی در سوریه شنا سانی کرد.

مجله "باری ماچ" در شماره اخیر خود در گزارشی مفصلي ببارا مون گروگانگیرهای لبنان به قلم فرستاده ویزه‌ها می‌نویسد که با بربک فورستیه، نویت: زان مارک سوسی، فیلمیرا رگانال بیک تلویزیون فرانس، روز ۶ مه ماه گذشته در بیروت ربه شده بود. وی پس از زگر بختن از اسارت رتگه خود اظهار داشت: پس از رسیدن مرا در آنجا تک کیفیت یک کارگاه ساختمانی در جنوب بیروت زنده‌ای کرده که در آنجا داخل آن به ۴۰ درجه می‌رسد و هیچ تهویه و روزبه‌ای به خارج نداشت. بعد از سه روز که حرکت و عرق سراسیم را گرفته بود از آنجا در میان آنجا زه استخما خواستم. همان برآستند و به محلی دیگر بردند که یکی از مقرهای دائمی حزب الله بود. اندکی بعد ۴ نفر بعد از آمدن سه نفر از آنها کت و سلوا و روس دسرتی دادند و بیرون کردند به ما زجوشی از من. زان مارک سوسی، حندی بعد از آنجا در آوردن آنجا که منجر را نمانده بود تا وقت خود را نجا دهد.

به نوشته "باری ماچ" وی می‌نویسد عکسهای دیپلماتهای سفارت جمهوری اسلامی در سوریه دولت را زجوسان خود را تا سانی کرد.



هیچ دینی وجود ندارد که در آن انسان و منزلت او در زندگی اهمیت بسیار نداشته باشد. انسان، زجمله ادیان ابراهیمی، همه می گویند و شایسته است که انسان را، چنان که هست، به نمونه آرمانی انسان کامل، چنان که باید باشد، نزدیک سازند. انسان کامل هرگز وجود نداشته است و هرگز نیز وجود نخواهد داشت. اما اینهمه فقط انسانی ثابت است. این نام است که سادامه سوی کمال حرکت کند. هر فردی، یا دستگاری یا حکومتی که راه این حرکت به سوی کمال را سد کند، ناگزیر خود را در مقابل یک اصل مهم اخلاقی قرار داده است. چنین مقابله ای هنگامی به زنده ترین وجه به چشم می خورد که حکومت سدکننده را که کامل انسان، داعیه دینی نیز داشته باشد. از ایرادهای درخورنا، ملی که طرفداران تعالی اخلاقی انسان به جا معده های مادی مروزه از جمله کشورهای پیشرفته، صنعتی می گیرند یکی این است که انسان در آنها به صورت بزار و وسیله ای برای کسب قدرت اقتصادی یا هوسا نیهای سیاسی درآمده است. می گویند که انسان در این جا معده ها هدف نیست، وسیله ای است که می تواند برای دستیابی به هدفهای گوناگون بکار آید.

به هنگام چنین تاملات جامعه شناسانه - فیلسوفانه ای نگاه تقریباً همواره متوجه کشورهای غربی بود، ولی انقلاب اسلامی در ایران سبب شده که توجه از غرب به شرق نیز برگردد. زیرا دستگاری کدریسم اسلامی، برای هوسا نی سیاسی خود، در شخصیت انسان می کند و لطمه ای که از این راه به منزلت او وارد می آید، جز در رژیمهای استبداد کامل از نوع

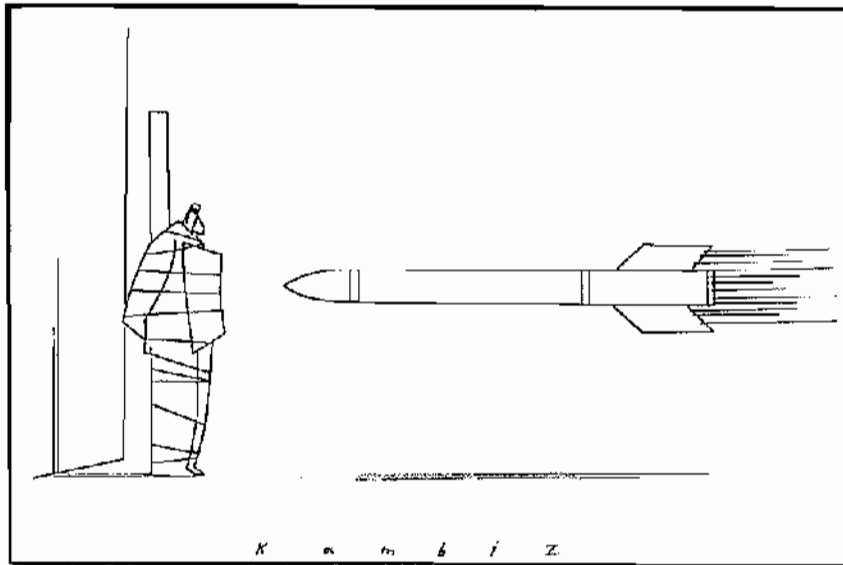
کالای انسانی

دعوت دولت اسلامی به ایران آمد و عاقبت سرازندان در آورده. ولی تنها رژیم که در برابر جان مردم سرزمین خود هیچ مسئولیتی احساس نمی کند، می تواند به چنان کارهای بی دست زنده، به گروگان گرفتن آدمهای بی گناه برای دستیابی به هدفی سیاسی یا مالی، و به کار مرگ فرستادن هزاران هزار جوان و نوجوان بی گناه - این هر دو از یک چشمه آب می خورد. وقتی که رژیم به منزلت انسان بی اعتنا شد، دیگر برایش هیچ فرقی نمی کند که قربانی او از کدام مژده دو مذهب و جنس است، برایش دیگر فرقی نمی کند که قربانی او از کدام گروه سنی است. او به همه قربانیان خود به چشم شیائسی می نگرد که می توان از آنها برای مقصودی استفاده کرد. و طرفه اینکه در این رهگذر تقریباً همواره به سراغ شهروندان کشورهای می رود که در آنها انسان دارای قدر و منزلتی است. اگر جمهوری اسلامی با دولتی از نوع خود، یعنی بی اعتنا به منزلت انسان، اختلاف پیدا کند، محال است تبعه های آن دولت را به گروگان بگیرد، زیرا می داند که آن دولت برای اتباع خود ارزشی به همان اندازه ناک قابل است که جمهوری اسلامی برای شهروندان ایرانی.

ایران ما را به شوخی گزیده و تلخی، "سرزمین نانی گران و جانی ارزان" خوانده اند. ایران به واسطه رژیم جمهوری اسلامی چنین شده است، اما چنین نخواهد ماند.

انسانها می زنده تا بشوایند و گروکشیدن آنها به معامله ها می که سودآور می انگارند، بپردا زند، کار بردنا رسیده است که یک روزنامه فرانسی کاریکاتور از رفسنجانی چاپ کرده بود در حالی که این کلمات از دهانش خارج می شد که: "برای

فاشیستی و کمونیستی، همانندی نداشته است و ندارد. انسان برای رژیم تهران به صورت کالای درآمده است که می توان آن را با اسلحه و پول مبادله کرد یا برای دستیابی به هدفی سیاسی مورد استفاده



قرار داد. این تنها نوعی نگرش به انسان نیست که از کتاب "ولایت فقیه" آیت الله خمینی برآمده است که در آن فقیه در حکم شان و انسانها در حکم گوسفندند، بلکه نگرش است که در بین المللی از آدم ربا می بکارند و رژیم تهران درست شده است. آدمهای این شکه، همگوش به فرمان رژیم تهران، به معنای درست کلمه دست به شکار

قرار داد. این تنها نوعی نگرش به انسان نیست که از کتاب "ولایت فقیه" آیت الله خمینی برآمده است که در آن فقیه در حکم شان و انسانها در حکم گوسفندند، بلکه نگرش است که در بین المللی از آدم ربا می بکارند و رژیم تهران درست شده است. آدمهای این شکه، همگوش به فرمان رژیم تهران، به معنای درست کلمه دست به شکار

از هشت بهشت :

داستان حسن زرگر

سود میلی ز شهر یک فرسنگ از فرودش فراخ و بالا تنگ صدگز از خاک برکنیده بلند سرش ایمن زردبان و کمند نه بر آنکس که خمناک شدی بگردی آنجا تا تا هلاک شدی سر رسیدن چون خور و آشام جند روی شدیش کار تمام شاه فرمود تا حسن را بر سر آن میل زندانی گردند و بر در آن قفل زدند و او در آن بالاتنها گذاشتند و رفتند. حسن به پیرا مون خویش می نگریست و اندوه و حسرت می خورد. ناگاه دید شخصی که می رسید از دور همجو پروانه در زمارت نور آمد آهسته بی رفیق و دلیل گام بر گام تا بسایه میل چون نگه کرد خواهی بارش بود زن نادان خامکارش بود آمد و ناله برکشید بلند گریه می کرد و روی مومی کند خواهی گفتا که رفت چون تقدیر سودگی داردت نشان و نفیر اکنون باید برای رهایی فکری کرد و چون گرفتاری من از سوی تو اتفاق افتاد با دیدن رها شیم نیز تو گامی برداری و آن این است که به شهر روی، و یک سیر ابریشم و یک سیر قند تهیه کنی و بیای و وقتی زن رفت و از شهر آنچه را که شوهر خواسته بود تهیه کرد و بیای و ورد دادی آواز و گفت: بر سر تار باره ای قدم کن بزودی بار دهیموری که می رود بر میل تا سالاش می بگذرد تعجیل رفته را زود رود می کن باز

واحه من زابل می زدم نفسی آنگار را نکرده ای به کسی من حرا در چنین خرابه شوم کردی به الهای زار جویم زن سو کرد این فسانه را در گوش کنه ز خویش دید گشت خموش حسن زرگر زن را به حال خود گذاشت و به شهر رفت و در گوشه ای بنها شد. زن نیز شب را به هر طریق که بود در آن زندان هولناک به سر برد. با مادا که مردم برای بردن هیزم و گاه را هان بدن سوی افتاد، پیری روی زاری و فریاد آغا زنها دو چون مردم روی بدو آوردند، قهقهه خود و حیلای را که شوی با او کرده بود با ز گفت. چون مردم به شهر بازگشتند داستان حسن به گوش شاه رسید که آن زرگر هنرمند زندان گریخته وزن را به جای خود گذاشته است. شاه را این چاره اندیشی زرگر صیبهوت شد. بفرمود تا زن را از برج به زیر آوردند. سپس به غلامان خود گفت تا به هر طریق که هست شوهری را به دست آورند.

نقش بینان به جستجوی شدند درگاه و دست و شبرو کوی شدند آگهی یافت خواهی بنهانی که بجان آمدت جانی دلش از بیم جان نکست گرفت کفن و نبغ را بدست گرفت پیش شه رفت و کرد زاری خویش شمسار از گناهکاری خویش شاه پس از گفتگوی حسن، و سرزنش او از خیانت و عذر خواستی حسن، بدو مهربانی می کند و با خود می اندیشد که این یک بار را و را بیخمش و شغلی بدو بدهم. اگر بیای بر سر خیانت رفت سراخواهد دید او گریه، قدرش فزونگی خواهد گرفت. پادشاه در پی این اندیشه: در مغز خدمت اختصاص داد شغلی از شغل های خاصش داد خندگاه از کفایت و تدبیر با پیه والاش گشت پیش سریر از خردگاری آن روایی یافت کز ملک شغل کدخدایی یافت نادانی که هر که را خرد است آرزوهای در کنار خود است

* میل کشیدن به دیده معنی کور کردن است و در این مقام معنی بیت آن است که شوهر تو با این کاری که کرد چشم انتقا دکنندگان را خیره و بی بصیرت ساخت.

کزنش بیس کسد سوی فراز زن چنین کرد. موررشته، ابریشم را بگرفت و بالا برد. چون نزدیک پنجره برج رسید، حسن از درون زندان تار ابریشم را از مورر بود. سپس زن را گفت: اکنون باز دیگر برو به قدر مدگرتنا ب محکم تا فته بیاور. زن به خانه رفت و چون چنین طنایی را در خانه داشت برداشت و شتابان پیش میل باز آمد. حسن تا ابریشم را از بالا فرو افکند و گفت سرطاب را به این ابریشم ببند. چون زن طناب را در ابریشم فرو بست حسن ابریشم را بالا کشید تا سرطاب به دستش آمد. آن گاه به زن خویش گفت بر بند خویش را بر کتن

تا بر آئی دمی بیام حسن گفت زن چون توانی اندر زیر شدی از جان و زندگانی سیر من که این رنجم از برای تراست بر زیر بودم ز بهر چراست خواهی گفتا که تا شود معلوم که چسانم در این خرابه شوم زن بر آن گفته استواری کرد گریه با فغان وزاری کرد در کمرگاه جست کرد رسن تا کشد خویش را بسک حسن از بالا ظلم دیگر داشت با عروس انتقام در برداشت طقه ای بود آهنین در سنگ محکم و سختی فراخ نه تنگ سر رشته در او کشید نخست وند آن رشته کرد خود را حست لنگری نیز کرد با خود ببار و انگهی شد معلق از دیوار بسا ر چون سوی او گرانی یافت رسن از سوی زن روانی یافت میهمان سد منم بمیل بلند رفت در زیر میزبان بکمند چون زن به برج برآمد و حسن از زندان بر زمین رسید، زن فریاد برداشت که این چه بی مهری و ستمکاری است که در حق من روا داشتی؟ خواهی گفتا که هر چه بیست آمد آدمی را ز فعل خویش آمد گردنانی تورنج بنهانم من که خون خوردم از تو میدانم گریه بیگانه را ز سختی میل رهنمونی نکرده ای به دلیل

نامه‌ها و نظرها



حاج نام با صفتی آریا و مومنه و مومنه های حوا صدگان گرامی فقط برای منمکن کردن نثرها و عفاست و سرداست های خفی نوسندگان ناخفاست و ازوما به مای برافید و همراستی ارگان مرکزی بهت معاوت ملی اسرا را به ساد همه این نوشته ها بسند . از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه خواهند نامشان چاپ شود ساد و رشوند تا نامشان محفوظ بماند . افزون بر این، از چاپ نامه های گدرا آن ها نسبت به اشخاص و گروهها هت حرمت شود و با عفت و سزگاری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم . اشتخاب عنوان نامه ها از ماست .

جنگ تابه کی؟

براستی این جنگ نا سرانجام مونا موفق تا به کی ادامه خواهد یافت؟ این سؤال تمام مردم مین برست و وطن دوست ایران است که در این ایام فلاکت بار و بغرنج زندگی خود از یکدیگر می پرسند، هموطنان عزیز ایرانی ما تا به امروز شناخت بسیار گامی از عملکرد منصفی رژیم جلاد حاکم بر ایران طی هشت سال حکومت ننگین خمینی بدست آورده اند . مردم عزیز ما تا کتون بدرستی دریافته اند که رژیم فعلی حاکم بر ایران و در برابر آن رهبرفتا تیک ویی هویت آن رژیم فاقد هر نوع ارزش قانونی بوده و می بایست هر چه سریع تر با اتحاد و همبازی یکدیگر این رژیم منزوی را به زیر آله داند تا تاریخ بسپارند .

اینجا تب بختوان یک جوان وطن پرست و عاشق ایران عزیز و بختوان یک فرد مهاجر جنگی از شهرستان خرمشهر با شما عزیزان صحبت می کنم :

صحت ها حاکی از بیان جزئی از درد و مناقبت هفت ساله جنگ بر روی تمام مردم ایران خصوصا "مردم وطن پرست خطه" جنوبی است . بله مردم زجر کشیده و خون چکر خورده خوزستان از حمله خرمشهر عزیز ، شهروندان شده ، من و سایر هموطنان جنوبیم . سعادت بسیار با ارزش به من دست داده است تا در این مقطع از زمان و در کشور آلمان بتوانم محقق مسلم بمانم و عقیده خود را که در کشور ما تمزده ام بر آن کوچکترین حقی برای بیان عقاید و نظرات مردم قائل نمی شوند را کشته نمایم .

بله همیشه و در همه حال بیاد در روزهای فرا مونی نا شدن و بسیار غم انگیز شروع جنگ خا نما سوز هستم ، جنگی که آغاز نشنا کنست ... چون بجز فقر و ویرانی و ذلت و آوارگی و بدبختی و تجاوز و فساد برای مردم عزیز کشور ما بجز دیگری بهر راه نداشته است . برای نمونه ای کویا خرمشهر با موقعیت

بسیار استراتژیک و با ارزش در حال حاضر به ناسا شده ای از خاک سوخته تبدیل شده است . شهری که وجب به وجب آن سر سبز و آبادان بود ، شهری بندری بسیار اسکله ها بی زیبا و عظیم و با کمربند مرکزی و مجهز که پیش از زیمیی از مبادلات با زرگان ... صادرات و واردات ایران را به خود اختصاص داده بود .

سیادان بعد از ظهور غم انگیز و متا شمر کننده می افتد که ولین گلوله توب دشمن از قاعله ای بسیار نزدیک در چند کیلومتری شهر ، سمت خا نه های بی دفاع و محروم مردم شهرو و بولی مردم حصار آباد شهرتلیک شد و چندی از خانه های حصیری و فنی را نه شهر را به همراه ساکنین آنها در آتش و خون فرو برد . مردم بی دفاع خرمشهر با آدامه غلبت گلوله های توب دشمن به سمت شهر بنا چا ر مجبور به ترک خانه ها شدند .

در آن هنگام بدون آنکه حتی یک قلم زوسا شل منزل خود را به همراه ببرند تنها بفرسایم بدریدن جان خود از آن بلای مهیب بودند . ویراستی بجا بود آن زمان خون و آتش این رهبرذهی بی دینیت که بییندا کثرت مردم یک میلیون نغری شهرو که بنا طر تعلق گرفتن بنزین تنها به خود روه ای ارتشی بنا چا ر مجبور به ترک شهر آن هم با بیایا و بهره نه بسمت تنها شهرا من یعنی اهوا را مضافت ۱۶۰ کیلومتری از خرمشهر آنهم در تابستان داغ و سوزان ۵۰ درجه و بر روی بوته های بر آتشیغ بیایا بن شدند ، مردم مصیبت دیده و زجر کشیده خرمشهر در آن لحظه نمی توانستند بسمت شهر آبادان که در ۵ کیلومتری خرمشهر قرار داشت پناه ببرند زیرا آبادان نیز در آن لحظه در محاصره کامل دشمن قرار داشت که پس از سقوط خرمشهر و تسخیر کامل آن توسط دشمن آبادان نیز زحملات هوا بی و توپخانه دشمن در آنجا نماند و پس از

مدتی کوتاه نیز ناسا هد تخلیه کامل سکنه شهر آبادان و تخریب شهر بی بزرگترین مرکز صنعتی نفت و بزرگترین لاینگاه کنور بودم و چهره روزها و شب ها بی که من سا بودم در شهر آبادان نظاره گروختن شما می قسمت های لاینگاه کنورمان بودم که شعله های سرفلک کشیده مسواد نفتی و بنزینی با لاینگاه تا چندین کیلومتر خارج از شهرمانند روز روشن کرده بود و من نیز که شیدا "منا نر از این واقعیت غرنج بودم برای از دست دادن بزرگترین سرما یک کشور مان آنهم یک قلم عظیم با تمام وجودم می گریستم . مصیبت های آلتیا بنا بذرا این جنگ خا نما سوز سرانجام گذشته از تخریب اکثر شهرهای جنوبی کشورمان به دیگر شهرهای غرب و شمال کشور نیز سرایت کرد و در این مصیبت همگانی شهرهای دیگر کشور عزیزمان ایران را بی نصیب نگذاشت .

فکر بر او زویریدن زساندا خشا بیم آنچه جان در طلب یوسف آزادی بود در فریق وطن از در کوچه ها خشا بیم . خارهای نیست زیرا که ما این کفن را به سوزن خود با فتاه بیم و با ید خود نیز آن را بذرا با شیم .

من این را با رها گفته ام و با زهم می گویم که آلتما س نکوه زندگی را فرومی ریزند و شما ما برایشهای مثل من با التماس می خواهید که روزی برگردند و به شما که میگویند ایران مال ما است ثابت کنیم که ایران هرگز نخواهد مرد زیرا که ما همیشه با عشق به وطن زنده ایم

لیلی رحمانی - سوئد

فرهنگ ایران

با تقدیم احترامات بسیار به محمدرضا مسعودی - آلمان غربی

بهنشت برد و سپید

سنجره را که با زمیکنم ، هوای سرد و منجمد بیرون دستها و میزتم را می سوزاند ، اینجا کجاست ؟ بهشتی سرد و سپید که همیشه آدم برای فرا زنا امی به آن بنسباه می آورد ، مگر زمین گرم خودمان چه کسم داشت ؟ خبیری می خواست و پس که ما را با گرمای لحظه های آشنا کند و با دهنده که زنده بمانیم و زندگی کنیم با کسی را که کناره های خزر و کرانه های خلیج فارس را نشانمان دهد و با صدای بلند و رسا در گوش یک بگمان بخواند که ایرانی باید همیشه ایرانی بماند ، اینجا قلب ها هم بیخ زده اند ، آدمهای اینجا و قتلگازان کناره های رود می شوند تا رکه کوهی از سرما را به گوش ایرانی مان حواله می دهند و دیگر چشم های گرم و سیاه که محبت آن سرشار می شود گوری تا بیاب است ، چه با دیگر ؟ ، به چه با ید دل بست ؟ که زندگی در این بهشت سرد را امکان ندهد ؟ من هر چه را که آشتما ز دست دادم تا لنتما ، فرهنگما ، سرزمینم خوبم را و از همه بالاتر خنده های محبت با ایرانی ها بمر که خون من در رگهای سرزمینم سرد هنوز با چماش سر از انگ به آنها و تما که منل من فراموش شده آید با فریاد می گویم ، روزی بر می گردیم ، روزی که ایران همان ایران باشد و هوای محبت در آن جاریان باشد ، روزی با دستهایی پر از عشق بر می گردیم و سر بر خاک مهربان می نهمیم و به سارانش می کنیم و با زما موجودمان آن را که از دست رفتن ، سدست می آوریم ، به آریست همه آن چه که آرزوی هرا بی ایرانی ایرانی دوست است .

دیروالی است که لنتربه غم ندا خشا بیم

همچنان ادامه یابد ، بنا بر این مادر ایران شا ه شکل گرفتن قدرتی تازه از درون آشفتنی انقلابی نیستیم ، بلکه تا هدا ادا به آشفتنی انقلابی هستیم که از درون آن ، بسیاری کسان دست و پا می زنند بلکه بتوانند ساد حل نجاتی برای خود پیدا کنند .

هر کسی که بخوا هد پس از مرگ خمینی واقع آشفته ایران را سامانی دهد ، نباید میراث خمینی را ادا به دهد ، بلکه باید بر این میراث غلبه کند ، و چون میسر است خمینی ، حتی اگر خود و نیز چند صبا حسی دیگر زنده بمانند ، دیگر ادا به دادنی نیست ، قدرت در ایران فردا از آن کسی است که آهنگ غلبه بر این میراث را بکند .

و درست همین جاست که این پرسش مطرح می شود : بخت رفسنجانی یا هر کسی دیگری ، مثلاً ، منتظری ، برای غلبه بر میراث خمینی چقدر است ؟

بیکا یک کارگزاران رژیم کنونی ، از

توانست ، کشوری بهم ریخته را که هر نیروی آن را به سوئی می کند ، جمع و جور کند ؟ او در این رهگذر می خواهد ته مانه اقتدار آیت الله خمینی را در گفته خود بگذارد ، این ، در سیر قدرتی که جناح های گوناگون رژیم آخوندی را در برابر یکدیگر قرار داده است ، فهمیدنی است . لیکن در دا و ریپائی که در باره تحولات ایران پس از خمینی می شود ، هرگز نباید سن و اقصیت اساسی را فراموش کرد که آیت الله خمینی تمام قدرت خود را از سر اکنده گی کانونهای تصمیم گیری در جمهوری اسلامی بدست آورده بود . به عبارت دیگر ، رژیم اسلامی خود هر می ساخت که خود در راه آن قرار داده شده باشد ، بلکه گذاشت که تا شیر انقلاب در جهت زوال قدرت مرکزی

سناوات احمد خمینی

ایران سر کند ، همه دا رند خود را برای دوران پس از خمینی آماده می کنند . پیشدر آمد این دوران ، که شدت یافتن جنگ قدرت یک علامت آنکار آن است ، از ما هها پیش آغاز گردیده است .

می گویند که رفسنجانی در این جنگ در مناسب ترین موقعیت قرار دارد ، ایسن البته بر آ و در روزنا منگاران غربی است که از دور با نزدیک به نظر ره محنه سیاسی ایران می سردا زند ، ولی مسئله چیزی کوچکتر از تقیه کردن قدرت در سرزمین آشفته و آشوبزده ای نیست که انقلاب اسلامی آن را به چندین باره سیاسی تقسیم کرده است . سئوالی که پاسخ منفی آن پیشا پیش روشن است ، این است که آیا رفسنجانی خواهد

مهدی با زرگان در نامه ای سرکشاده ، از رفسنجانی سئوالی می کند ، ولی جواب خود را از احمد خمینی می گیرد . با زرگان از رفسنجانی می پرسد که این جنگ ویرانگر تا کی باید ادامه یابد ؟ احمد خمینی ، البته از قول پدرش ، پاسخ می دهد : تنها آخرین قطره خون ایرانیان ، در خورتوجه است که برای نخستین بار ، احمد خمینی از پدرش روح الله نه به عنوان " امام بلکه به عنوان " پدر میرمن " یاد می کند . او در عین حال که خود را وارد دعوی با زرگان رفسنجانی کرده است ، می خواهد هدا د آوری کند که وقتی پای ریختن خون ایرانیان در میان باشد ، خمینی جوان به هیچ روی کمتر از خمینی پیر سخا و تمند نیست .

بسیاری نشانه ها حکایت از آن دارد که احمد خمینی سخت به دست و پا افتاده است تا به یاری رفسنجانی از یک سو ، و صادق طباطبائی از سوی دیگر ، جای خالی روح الله خمینی را در محنه سیاسی

مسائل حقوق

قرارداد کنسرسیوم حاوی بعضی مطالب حقوقی نیز بود به این شرح: قرارداد دوجز با توافق طرفین بجا در نتیجه حکم دادوی قابل فسخ نخواهد بود. ایران از بابت موضوع های گذشته هیچ گونه مطالبه ای علیه شرکت های امضا کننده قرارداد مطرح نکرده و هرگونه اختلافی که بین طرفین بروز کند می بایست از راه مذاکره و سازش و در مرحله نهائی به وسیله داوری بین المللی حل شود تعبیر و اجرای قرارداد دو داری و اختلافات متکی بر اصول حقوقی مشترک بین ایران و ملل متبوعه امضا کنندگان قرارداد خواهد بود. در مورد پیشامد فورس ما ژور و نتیجه مترتب بر آن نکاتی پیش بینی شده بود. متن فارسی و انگلیسی قرارداد هر دو معتبر شناخته می شود اما اگر اختلافی بین دو متن پیدا می شد متن انگلیسی اولویت می داشت.

تعیین عنوان ضمانت

از ابتدای مذاکره درباره قرارداد کنسرسیوم نمایندگان شرکت ها اظهار کردند که شرط حتمی عقد چنین قرارداد تصفییه موضوع غرامت شرکت نفت انگلیس است. بنا بر این همزمان با مذاکره در خصوص قرارداد مذاکراتی نیز در موضوع غرامت بین هیئت نمایندگان ایران و هیئت نمایندگان شرکت نفت انگلیس بوسیله ریاست سفیر انگلیس صورت گرفت. هر دو رشته مذاکرات در یک زمان یعنی با عقد قرارداد کنسرسیوم با بیان یافت. ما وارد بحث تفصیلی درباره مذاکراتی که طی ۱۸ جلسه صورت گرفت و شرح استدلالات طرفین نمی شویم بلکه به بیان نتیجه مذاکرات اکتفا می کنیم. نتیجه ای که با لافزه بدست آمدیم اینست: بر نکات زیر بود: عنوان عدم النفع آینده از عداد مطالبات شرکت نفت انگلیس خارج شد. این اصل مورد توافق قرار گرفت که ضرورتی که به علت انقاي قرارداد متبنا زید شرکت نفت انگلیس وارد آمده بود (هزینه تهیه نفت از منابع غیر از ایران برای انجام تعهدات قرارداد) بکرایه کشتیهای نفتکش برای حمل نفت در خط سیرهای غیر عادی (و غیره) از طرفی و ضرورتی که به علت جلوگیری شرکت نفت انگلیس از فروش نفت ایران در بازارهای جهان به دولت ایران وارد شده بود. همچنین سایر دعاوی متبنا بل ایران (مالیات مواد نفتی تحویلی به نیروهای متفقین در زمان جنگ - سهم ایران از ذخایر شصت شرکت نفت انگلیس و چند قلم دیگر) از طرف دیگر در نظر گرفته شود در این مورد بنا بر اصرار سفیر انگلیس موافقت شد که از بررسی اقلام جزء به جزء خودداری شود. ولی هیئت نمایندگان ایران تا حدی که موجب وقفه مذاکرات نمی شده را شایسته دعای ایران با فشاری نمود. پرداخت قیمت تاسیسات کرمانشاه و نفت شاه و پیش داخلي - بحساب بیاوردن قیمت تاسیسات شرکت نفت ایران در جنوب. در این مورد سفیر انگلیس کتبا "و شفاها" به عنوان نوعی گذشت از طرف شرکت نفت انگلیس اظهار کرد که چون تاسیسات مزبور مورد استفا ده کنسرسیوم قرار نخواهد گرفت از مطالبه قیمت آن صرف نظر می شود ولی هیئت نمایندگان ایران تذکر داد که دعوی یک چنین گذشت خلاف حقیقت است چون شرکت های عامل استهلاک بهای آن تاسیسات را به نفع خود برداشت خواهند کرد.

ترتیب تصفییه غرامت شرکت نفت انگلیس در قسمت دوم قرارداد کنسرسیوم شرح داده شده است و خلاصه آن اینست که بیست و پنج درصد از درآمد نفت ایران در مدت ۲۵ میلیون لیتر به عنوان تفاوت خالص در میان ایران و شعبین کرده بود دولت ایران تعهد نمود که اگر در ده قسط سالانه بپردازد. اما اگر به اقلام دیگری که در متن قرارداد بطور ضمنی به آن اشاره شده است دقیقاً توجه شود معلوم می گردد که آنچه بعنوان پرداخت غرامت و آنگاه "آزگیسه" ایران خارج شدیم تا بیش از این مبلغ بود. به این وصف که "اعلاوه بر مبلغ مزبور شرکت های عامل طی مدت ده سال از طرفی استهلاک تاسیسات موجود از زمان شرکت سابق ۶۷ میلیون لیتر برداشت نمودند که ۲۱ میلیون لیتر آن در حقیقت حکم پرداخت از طرف دولت ایران داشت. ثانیا "یک قسمت مهم غرامتی که ایران واقعا" پرداخت نمود یا توسل به حساب بیا یا در حقیقت از نظر مستورماند. به این معنی که دولت از یک رقم از مطالبات تصویب شده خود یعنی ۵۱ میلیون لیتر که ضمن مذاکرات قرارداد الحاقی حق مسلم ایران شناخته شده بود صرف نظر نمود و همچنین خسارتی که به علت جلوگیری شرکت نفت انگلیس از فروش نفت ایران مطالبه می کرد و هیئت نمایندگان انگلیس آنرا "از نظر ارفاق و بدون تصدیق تعهد" به میزان ۷۵ میلیون لیتر بر آورد کرده بود و معلوم "لا اقل بمیزان ۵۰ میلیون لیتر قابل اثبات بود ضمن ترتیباتی که تا تر منتفی گردید. ثالثا" شرکت نفت انگلیس بین تاریخ عقد قرارداد سال ۱۹۷۰ مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار از سایر شرکت های عضو کنسرسیوم به عنوان بذیره یا سرفصلی دریافت نمود که در حقیقت همان عدم النفعی بود که آنها را میگردان آن صرف نظر کرده است. از تعمیق در ماهیت این قلم ز دریا فنی های شرکت نفت انگلیس این نتیجه بدست می آید که پرداخت کنند. حقیقت آن نیز ایران بود زیرا هفت شرکتی که همراه با شرکت نفت انگلیس وارد صحنه عملیات در ایران شدند بدون تردید اعدا می بایست بذیره ورود یا سرفصلی به دولت ایران بپردازد و زود حال آنکه آنرا به شرکت سابق پرداخت خواهند کرد و بدون دریافت هیچ عوضی آنها را در

فواد روحانی

۷۲

مصدق و نهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست

آخرین قسمت

عملیات صنعت نفت خوددخیل نمود. حال چنانچه این نکات در نظر گرفته شود. مجموع غرامتی که ایران به شرکت نفت انگلیس پرداخته است حداقل بالغ بر ۱۴۷ میلیون لیتره (۲۵ + ۲۱ + ۵۱ + ۵۰ میلیون) خواهد بود. علاوه بر ۶۰۰ میلیون دلاری که شرکت مزبور از اعضای کنسرسیوم دریافت کرد.

نک نظر کلی بر قرارداد کنسرسیوم

قضاوت صحیح درباره قرارداد کنسرسیوم از این منظر می تواند تدبیر کند که این قرارداد دلیلی قانون ملی شدن نفت مطابق با مقتضای موافقت آن با قانون مزبور محدود به جنبه های صوری و تشریفاتی و فرعی بود ما نباید قبول اصل ملی شدن ویکار بردن عناوین شرکت های "عامل" و "فروش" نفت و واگذاری عملیات غیر صنعتی به شرکت ملی. این مزایای ظاهری را نیز ایران به قیمت پرداخت غرامت به شرکت نفت انگلیس بدست آورد. گذشته از این نکات فقرات کنسرسیوم (تصدی عملیات، ترتیب معاملات، تصفییه عواید تحت عنوان پرداخت مالیات بر درآمد، طرز حل اختلافات و غیره) همه کما ملایرا بر بار شرايط قراردادها یا متبنا می نمودند در سایر کشورهای منطقه بود. امروز که بیش از سی سال از تاریخ عقد قرارداد کنسرسیوم می گذرد قضاوت در این امر دشوار است که آیا بهترین سوداگران با شرکت های کوچک و مستقل همکار با خود با گرفتن وام و کمک های دیگر به تنهایی عمل می کردند یا حتی برای چندی متوسل به اقتصاددین نفت می شدند؟ اما باید اضافه کرد که زطرفی در آن زمان بهترین شرایط روابط بین کشورهای نفتخیز جهان سوم و شرکت های نفتی همان بود که بموجب قراردادها می موجود در کشورهای خارومیانند مجری بود و از طرف دیگر ایران دچار وضعی بود که عملاً توسل به روشی جز همکاری بجا شرکت های بزرگ نفتی را اجازت نمی داد. البته دولت وقت از همه این نکات آگاه بود و حقیقتاً مسر را از نظر رینها نمی کرد چنانکه نخست وزیر وزیران را طی هنگام تقدیم لایحه قرارداد به مجلس شورای ملی در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۳۳ وضع حقیقی را طی بیاناتی که قسمتی از آن را نقل می کنیم توضیح دادند:

سرلشکرزاد هدی:

"... در دنیا کمالاتی می افتد که بشر به هم آرزوهای خود در حد کمالات نائل شود چنانکه ملاحظه خواهد فرمود این مشکل نفت به بهترین وضع ممکن حل شده است."

دکتر امینی:

"... ما مدعی نیستیم که راه حل ایدال مشکل نفت را پیدا کرده ایم و قرارداد فروشی که بسته ایم همان چیزی باشد که ملت ایران آرزوی کند... زیرا راه حل ایدال برای ملت ایران روزی بدست خواهد آمد که ما آن قدرت و ثروت و وسایل فنی را پیدا کنیم که قادریم رقابت با کشورهای بزرگ باشیم... فعلاً تا روزی که ما به آن درجه قدرت و نیرومندی نرسیده ایم حدود فعالیت ما برای رسیدن به هدف ایدال یعنی فروش نفت ایران بدست خودمان به بیش از آنچه ظرف سه سال گذشته رسیده است نخواهد رسید... این قرارداد اگر با ایدال ملت ایران مندرجه منطبق نیست ولی با مقایسه با سایر قراردادها صددرصد بهترین و عالی ترین قراردادهاست که تا کنون را جمع به ما ملات نفت در دنیا تنظیم شده است."

البته درست ترین بود که ایشان بجای این عبارت می گفتند: "ولی می توان گفت که شرایط هیچ یک از قراردادها نمی تواند که تا کنون را جمع به ما ملات نفت در کشورهای جهان سوم تنظیم شده است از شرایط این قرارداد دهبترین است."

بیان

گفته های مدیره

یک گزارش از شهر میانه حاکی است که بمباران این شهر ساختمان های متعددی را ویران کرده در نتیجه تعدادی کشته و مجروح شدند. در میانه میانها، غیر از دبستان دخترانه با راه و دبیرستان زینبیه و کرمان به نور، مرکز سبانه اسدازان بر اثر بمباران بمب ویران شد. رژیم در شهر شایع کرده که مرکز سبانه با اسدازان که هدف حملات هوایی واقع شد قبلاً تخلیه شده بود.

از سوی دیگر مدیره حزب اللهی دبیرستان زینبیه با ممانعت از خروج دانش آموزان، موجب مرگ بسیاری از آنها شد. این مدیره حزب اللهی هنگامی که هواپیماهای عراقی در آسمان شهر ظاهر شدند و دانش آموزان را که هجوم آورده بودند مدارس ترک کردند، گرفت. در نتیجه خود وی و تعداد زیادی از دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله به وضع فجیعی به قتل رسیدند. مردم میانه که از اقدام مدیره مدرسه با نفرت با دیدی کینه دارانگیز با آنها دست به اعتراض زده اند.

ناید فروش اسلحه

به نوشته روزنامه ها میانه میانه با لیبی، "لیدرتف کارن، وزیر مشاور انگلستان در امور تسلیحات، در مجلس ایمن انگلستان از فروش سیستم های رادار به جمهوری اسلامی جانبداری کرد. لیدرتف کارن اظهار کرد که فروش رادار به جمهوری اسلامی، سیاست دوگانه انگلستان را مبنی بر عدم تحویل جنگ افزار به جمهوری اسلامی نقض نمی کند. وزیر مشاور دولت بریتانیا در امور تسلیحات، افزود: شرکت "پله سی" تنها سیستم های راداری به جمهوری اسلامی می فروشد که قرار است بطور دائمی در مرزهای شمالی و شرقی ایران با شوروی نصب شود. وی افزود سیستم های مذکور جنگ افزار به شما نمی آید.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ فوریه

اخراج خبرنگار

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، جرائد سایب خبرنگار نشریه وال استریت جورنال، روز ۵ فوریه از ایران اخراج شد. وی دیگر مجاز نیست به ایران بازگردد.

جرائد سایب که به اتهام جاسوسی به نفع اسرائیل در تهران با زداشت شده بود از سال ۱۹۸۵ در قاهره فعالیت می کند و هفته پیش به دعوت رژیم اسلامی برای بازدید از جنبه های عملیات کربلائی همراه مدت روزها مدنگار خارجی وارد تهران شد.

بر اساس همین گزارش، میرحسین موسوی نخست وزیر اسلامی در بیان جلسه هیئت دولت اسلامی در روز ۵ فوریه اعلام کرد جرائد سایب طرف دوسه روز آینده از ایران اخراج می شود. وی گفت: چرا که سایب در جنبه های جنگ، اطلاعات مشکوک جمع آوری می کرد. اما اکنون پس از تحقیق مسئله روشن شده است.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع موثق جمهوری اسلامی می نویسد: جرائد سایب، خبرنگار نشریه ای آمریکا وال استریت جورنال که شنبه شب ۳۱ ژانویه در تهران با زداشت شدیمی بر آن داشت تا اطلاعاتی درباره ی شخصیت های طرفدار آمریکا در برطن حکومت اسلامی به دست آورد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، بدون ذکر نام این خبرنگار را، اعلام کرده بود که وی متهم به جاسوسی به نفع اسرائیل است. به گفته کفته ی خبرنگاری جمهوری اسلامی این خبرنگار را یک کذربا می حطی، اما با کارت مطبوعاتی واقعی، وارد ایران شده بود.

تقلب اشکار در ارقام بودجه

بجای دریا راه لایحه بودجه‌ای که اخیراً از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم به مجلس شورای اسلامی داده شده است، بخاطر اینکه در کلیات و جزئیات ارقام بودجه آنقدر مسامحه و تقصیر است، اعداد غیرواقع و پیش بینی های مبالغه آمیز و مزورانه بکار رفته است از هر جهت بی فایده و اصولاً بدون ارزش است. نیکو نگرانی و منطق است، لذا با همه ضعف‌هایی که در آن دیده میشود مسئله در حقیقت بصورت یک نمایشنامه فکاهی درآمده است از بحث در آن درمی گذریم، زیرا تجزیه و تحلیل استخوانهای بودجه بدون اصل و ریشه تنها در خور همان نمایشنامه نیست که با یک اثار مسئولین خوشرفی آغاز می کنند و با اثار رای دیگر خفگان همه وجودشان را فراموش می کنند.

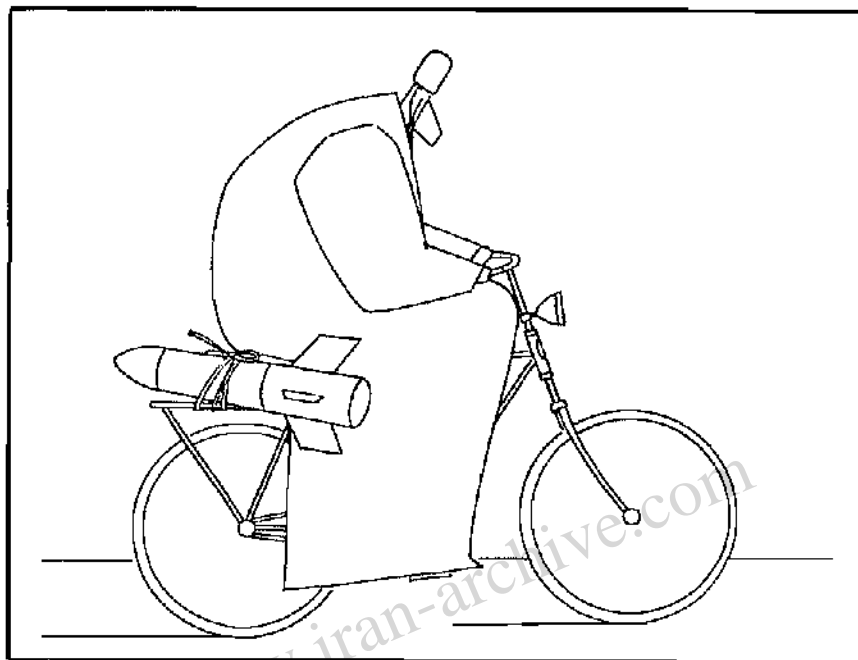
اما آنچه که در این زمینه گفتنی است تلاش مذبحانه و فریبکارانه رژیم برای جا بجا زینتی عایدات و درآمدهای غیر نفتی بجای درآمدهای حاصله از فروش نفت است که اصطلاحاً "اگر در گذشته و حال و آینده تفکری اساسی و بدون ریا و تزویر در این مورد بعمل آید راهی درستی و منطقی پیش گرفته شده و عملی قابل تامل و تحسین خواهد بود.

رژیم مسامحه آمیز و کوچکترین تا مہترین آنرا به مسخره گرفته و تمام حلافتکارانیش را تنها با رنگ و لعاب تبلیغات دروغین می پوشاند، تصور می کند در این زمینه نیز درآمدهای حاصله از اعداد و ارقام ساختگی و اعدادهای غیبه ای، آنها را از توجه های اما ملت و غیره تجزیه و تحلیل نماید. اگر میرحسین موسوی معتقد است که درآمدهای حاصله از فروش نفت است که افزایش چشمگیری داشته است، تنها به این خاطر است که فروش نفت در سال جاری از میزان سال گذشته تقریباً ۱۰۰ درصد حدود نصف تقلیل یافته و در چندین سال و احوالی بدیابی است چون درآمدهای حاصله از فروش نفت غیر نفتی هم چنان ثابت باقی مانده است لذا نسبت حاصله از این نشان می دهد بدون اینکه در کیفیت ارقام تغییر حاصل شده باشد.

برای روشن شدن موضوع لازم به توضیح است که بنا بر گزارش مجله معتبر و اقتصادی "مید" چاپ لندن مسووخ ما در اوت ۱۹۸۶ مهم ترین منابع درآمد جمهوری اسلامی در سال پیش، پسته، خرما، سبزیجات، بیابان و خاک و بار بوده است که تا ۱۹ میلیون دلار از این باب درآمدها داشته باشد، سن آن نسبت قابل، گلیم و جاجیم و صنایع دستی میرسد که مابقی دولت از

آنها نیز ۶۳ میلیون دلار تاجا و زنگسرد بطوریکه جمع این دو رقم به ارقام بسیار محصولات ما در این رژیم رقمی حدود ۱/۵ الی ۱/۹ درصد کل درآمدهای ارزی ایران را تشکیل می دهد (بقیه مربوط به فروش نفت است) با این حساب اگر فروش نفت را در سالهای گذشته به میزان ۱۵ میلیار دلار در سال بحساب آوریم

با زرگانی رژیم در افزایش این رقم صوری و بدون محتوی دست افشانی و پاکوبی می کنند و کودکا نه شکلک درمی آورند و از سوی دیگر محسن نوربخش رئیس پیشین و متوفی بانک مرکزی جمهوری اسلامی که شاگردان طر گفته های تقریباً ما در آن سال با خفت و خواری کنار گذاشته شده است بخاطر اینکه اثرات تبلیغاتی سوء و غیر حقیقی رژیم را خنثی نماید به



استند گفته های قبلی خود در باره اینکه ما در آن غیر نفتی هیچگاه قادر نیست از حدود ۴۰۰ الی ۴۰۰ میلیون دلار افزایش بیشتر داشته باشد مجدداً در روزنامه کیهان چاپ تهران چاپ شد. ۱۳۶۵ بحراحت اعلام میدارد: آنچه مسلم است نفت هم چنان به عنوان بخش مسلط اقتصاد ایران در ارقام بودجه نقش مهمی دارد و خواهد داشت و اگر اخیراً درآمدهای غیر نفتی نسبت به درآمدهای نفتی افزایش نشان می دهند تنها پدیده واردات است، چنین درآمدهای افزایش یافته است، بلکه فقط ارزش درآمدهای آن از افزایش ظاهری برخوردار بوده است یعنی

درآمدهای ارزی غیر نفتی به حدود ۲۵ الی ۳۰۰ میلیون دلار می رسد، اینک که فروش نفت به حدود ۷ میلیار دلار در سال تقلیل پیدا کرده مسلماً "درآمدهای ارزی حاصله از فروش مواد غیر نفتی بسیار وجودناست ما در این رقم ۳۰۰ میلیون دلار نسبت به درآمدهای حاصله از فروش نفت رقمی دوبرابر نشان می دهد. و این همان تقلب و تزویری است که آخوند ها در زمینه افزایش ما در آن غیر نفتی علم کرده اند و نه ملت بلکه خودشان را به مضحکه و تمسخر کشا نه اند، جالب است از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم و ما بعدی جعفری وزیر

هما نظریه قبلاً" اشاره شد تا نزل درآمد ارزی حاصله از فروش نفت و نظریه حسابات در حدود درآمد فروش مواد غیر نفتی نسبت به درآمد نفت افزایش صوری را نشان می دهد.

در این آشفته با زار جالب ترا ز همه مطالعه نشریه ۱۴ صفحه ای است که تا ق با زرگانی و صنایع و معادن ایران (ضمیمه هفته نامه شماره ۱۲ دیماه ۱۳۶۵) تحت عنوان: "راههای ما در آن کالا، منتشر شده و اخیراً بدست ما رسیده است. در این نشریه که واحد کمربندی تا ق با زرگانی آنرا تهیه و تنظیم کرده است، ضمن انتشار اطلاعاتی برای صادرات انواع فراورده های غیر نفتی و تشویق تجار به این فعالیت و تشریح مطالبی بی سروته در زمینه، چگونه میتوان کالا

ما در کرد، واردات در مقابل صادرات، پیمان ارزی و غیره در پیمان لیست با لایسنس از انواع کالاهای صادراتی منتشر شده که از نظر اینکه خوانندگان به اهمیت این نوع کالاهای صادراتی آگاهی یابند و بدانند که از این طریق چه میزان هنگفتی به درآمد ارزی کشور افزوده خواهد شد تنها به چند قلم اثار می شود: کشک - قمره توروت - هسته خرما - نجوچک - علف خشک بیابانی - بذریه سبزی و صیفی با ستنه ای تخم هندوانه و تخم خربزه - سفزه - اسفند - چوبک - گل سونگون - گل ساج خروسی و وحشی - گل و ریشه ختمی - ریشه سریش و بدنیال این اقلام به تعدادی از انواع میوه و تره بارها را که همیشه مردم ایران خود برای دستیابی به آن هراسان هستند و در آنرا درآمدهای حاصله از فروش و صنایع دستی که متأسفانه در زمینه صادرات فرس و در عین حال قابل تعجب است شده است که این فراورده معروف کشورمان نیز به تدریج با زار خود را از دست می دهد.

هم میهنان عزیز! هر روز تلخ خبری نهدت مقامت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد. ۴۰۵-۹۰-۴۰۵ یارین

زنده مانده هوا بیما می اندازد که چندین سال پیش در کوه های "آند" سقوط کرد. آنجا، بر اثر چند روز گرسنگی مانده، سرانجام گوشت مسافرانی را که مرده بودند، خوردند. یکی از آنان، پس از آن که نجات یافت، گفت تا عمر دارم، نخواهد توانست از کوهت کاری کشیده است خلاصی یابد. برخی از آنان که کاشان به تیسما رستان کشید. و امروز، مسلمان فلسطینی، چون نمی تواند مرده خواری کند، از خمینی اجازه می خواهد که هم اردوگاه خود را، با بجا آوردن مراسم ذبح اسلامی، طعمه خویش سازد. خمینی که اینهمه در کرامت جنگ سخن می گوید، یک لحظه بنشیند و با خود ببیند که اگر جنگ مسلمان با مسلمان جنگ برادر کشی - نبود، آیا چنین وضع هولناکی برای مسلمانان پیش می آمد؟ امروز در جنگ داخلی لبنان این را برای مسلمانان اردوگاه سورج البرا چنه پیش آورده است، و فردا می تواند در جاسای دیگر نیز چنین اتفاقی بیفتد. اسلام خمینی که مدام خون تازه می خواهد، فقط به خویشی بنده نمی کند، دارد مسلمانان را به چنان فلاکتی می اندازد که گوشت تن یکدیگر را نیز بخورند.

لحظه ای در دور آن درنگ نخواهد کرد. اسلامی خمینی با این داعیه میبدان آمد که مسلمانان را از درماتندی و پستی به مقام و منزلتی درخور انسان برساند، اما در عمل کار را بدینجا رسانده است که مسلمان، برای آنکه فقط زنده بماند، می خواهد از گوشت مسلمانان دیگر تغذیه کند. رسم آدم خواری که با دکانی از توحش برخی قبیله های آفریقا بود و امروز در جهان بر افتاده است، دوباره به شکوانه جنگ مسلمان با مسلمان که خمینی به درستی بودن و شرعی بودن آن فتوا داده، در قلب یک سرزمین خاورمیانه ای با اکثریت مسلمان زنده شده است. اسلام خمینی نه تنها بدترین یا دکانی رتوخی را که در قبیله های دور افتاده آفریقا وجود داشت، زنده می کند، بلکه رسم سیری شده ای را در جنگها بیاد می آورد که قشونی شهری را چندان در محاصره نگذاشته تا از فرط گرسنگی سربسته تسلیم گردد. نا گفته پیداست که برخی از گرسنه ماندگان در اردوگاه البرا چنه، ممکن است بی آنکه منتظر فتوای خمینی شوند، گوشت نزدیکان خود را خورده باشند. این انسان را سی اختیار به بدترین انسان

با فته اند. در خواست شوم و کراهت آورا زخمینی تا فتوای در این باره ما در کنگه بی سببی نیست. فقط خمینی، مرد فتوا های عجیب و غریب می تواند بی آنکه خیمه آبرو بیاورد، چنین فتوای ما در کند. وقتی او فتوا داد که گوشت یخ زده و ما می خوریم و راحل است، برخی این را حمل بر واقع بینی او کردند، ولی هنگامی که فتوا داد جنگ مسلمان با مسلمان اشکالی ندارد، معلوم شد که آدم خواری جنگ، شایسته ترین کارگزار رومدیر خود را یافته است. و امروز خمینی می تواند به حکم فتوا به مسلمانان در محاصره مسلمانان قرار گرفته، امکان دهد که کار در حلقه برادران و خواهران و فرزندان خود بماند. اگر خمینی چنین فتوای ما در نمی کند، این به هیچ روی دلایل انسانی ندارد، بلکه دلایلی کاملاً سیاسی دارد، اگر اسباب کار را از حیث سیاسی مسامحه

فتوای آدم خواری

جنگ جمهوری اسلامی و عراق و جنگ داخلی لبنان، مسلمانان را فقط به خون یکدیگر تشنه نگردانده است، آنان نه تنها خون یکدیگر را می ریزند، بلکه در آستانه بغورند. وقتی خبر کزاریها این خبر را از بیروت مخابره کردند، به نظر راست نمی آید، ولی عین حقیقت بود. بیست هزار فلسطینی ساکن در اردوگاه سورج البرا چنه، پس از آن که ۷۲ روز تمام چنان در محاصره شیعیان امل قرار گرفتند که راه رساندن خوراک به آنان بسته شد، از آیت الله فتوا خواسته اند که به آن ها امکان دهد گوشت کسان را که از فرط گرسنگی نای زندگی ندارند، بخورند. آنها گوشت سگها و گربه ها را، البته بی فتوا، خورده اند و اکنون که دیگر سگ و گربه ای در اردوگاه نیست، احاز می خواهند که زکوت انسانها را که کمالیست در کنار آنان زندگی کرده اند، تغذیه کنند. و این را نیز از منصفان

هشدار شوروی

بقیه از صفحه ۱

سیاستمداری که چنددهه تمام کوشش به زیرومیسیاست بین المللی آشناست، و حرفهایش را، پیش از آن که بگوید، در ترا زومی گذارد و می سنجد بسیار درخور توجه و شنیدنی است.

گرومیکو هرگز به عنوان انسانی اهل احساسات، آنهم در سیاست، شهرت نداشته است، اگر می گوید که جمهوری اسلامی نباید بگذارد گورستانهایش از گشتگان جنگ بر شود، دارد هشدار خطیری می دهد که اگر به گوش زمانه در آن جمهوری اسلامی فرو نمی رود، ایران نپای را که برای گرفتن بیامهای پرمعنی گوش حساسی دارند، در اندیشه فرومی بود. وقتئسی گرومیکو در یک گفتگوی "صریح و جدی" می گوید: گورستانهای ایران را از گشتگان بیشتر جنگ بزنند، به هیچ وجه قصد تبلیغاتی ندارد.

سخنان گرومیکو در واقع می توانند پاسخی به ادعاهای هاشمی رفسنجانی باشد که گفت منظور از جمله "کربلای ۵" درهم شکستن ماشین جنگی عراق است. گرومیکو می خواهد بین ما و اندکها این ماشین جنگی، نه تنها درهم نمی شکند بلکه، هنوز می تواند گورستانهای ایران را ارجاسد به مراتب بیشتری بکند. هنگامی که کسی در سطح گرومیکو چنین حرف می زند،

خوب می دانید چه می گوید، زیرا وی مسلماً "بهتر از هر کس دیگری از چند و چون ماشین جنگی عراق خبردار است."

هاشمی رفسنجانی می گوید که جمهوری اسلامی نمی خواهد شهرهای عراق را به تصرف درآورد، بلکه می خواهد ما شیخین جنگی این کشور را منهدم کند. فقط ساده لوحان هستند که متوجه نمی شوند، پس از آن که ما شیخین جنگی یک کشور درهم شکست، تصرف شهرهای آن دیگر به لشکرکشی نیازی ندارد، بلکه فقط یک پیاپی ده روی تفریحی خواهد بود. و اکنون این شخص آقای گرومیکو است که صریح و جدی می گوید شوروی اجازه نخواهد داد ما شیخین جنگی عراق منهدم شود.

شوارنادزه، پیش از مسافرت ولایتی به مسکو، در دیداری با سفیر رژیم تهران در شوروی گفت که دولت او برای این سفر اهمیت بسیاری قائل است، اگر این سفر برای استیلا اهمیت داشته باشد در همین است که بلندیایه ترین مقام شوروی، رودرو، به بلندیایه ترین مقامی از جمهوری اسلامی که تاکنون به شوروی سفر کرده، گفته است که موضع این دولت در قبال جنگ جمهوری اسلامی و عراق چیست.

شوروی با عراق بیمان دوستی نیست

جنگ بی رحمانه قدرت

لورن جنکینز، خبرنگار واشنگتن پست که در تهران به سر می برد، در گزارشی زیر عنوان: "جنگ قدرت میان جناحها در تهران با لایمی گیری" می نویسد:

جنگ قدرت بی رحمانه میان جناحهای آخوندی رژیم تهران بر سر جناح نشینی آیت الله خمینی، شدت می گیرد. دیپلمات های خارجی و تحلیل گران سیاسی در تهران می گویند حداقل از نه ماه پیش که نشانه های خرابی وضع جسمی رهبر ۸۶ ساله انقلاب که - بیما قلبی و سرطان پروستات دارد - آشکار شد، جنگ قدرت سخت بالا گرفته است.

خبرنگار واشنگتن پست می نویسد: در اختلافات و منازعاتی که میان مسراکیز متعدد قدرت در رژیم اسلامی وجود دارد، آیت الله خمینی همواره نقش داوارا صلی را داشته است که آخرین کلام را بر زبان می رانده است. اما عقیده مفسران ایران و خارجی بر آن است که با مرگ آیت الله خمینی نیز قدرت بی برده و خشونت باری در میان سران رژیم اسلامی درخواهد گرفت.

در راه مهم ترین مراکز قدرتی که به گونه دونیروی خصم در برابر هم ایستاده اند از یک سو آیت الله حسین علی منتظری ۶۳ ساله قرار دارد که دو سال پیش از سوی آیت الله خمینی به جانشینی وی تعیین شد، از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی ۵۲ ساله رئیس مجلس شورای اسلامی است که با کنار زدن دیگران روز به روز قدرت خود می افزاید.

دو روسته منتظری کوششهای رفسنجانی را در ایجاد رابطه با غرب که برای دستیابی به اسلحه و فضا را آوردن بر عراق انجام شد، سخت مورد تخطئه قرار داده اند.

خبرنگار امریکایی می گوید: به گفته منابع آگاه، نیز قدرتی که در ایران

سالهای دارد، شوروی در این جنگها، بین کننده اصلی اسلحه برای عراق است، شوروی فرصت بزرگی بدست آورده است که در زمینهای آزدست داده را در خاور میانه عربی، دست کم تا حدودی، دوباره بدست آورد، بلکه تسخیر زمینهای تازه ای را نیز در چشم انداز می بیند.

آیا عقل با ورمی کند که این همه دستاورد را که حاصل سالها تلاش پیگیر بوده است، در برابر بریلند پروا زبانی جنون آمیز مردی خود سرو خود کما می سودا کند؟ آیا شوروی حاضر است نتیجه این زحمات را، به اضافه با وریدیری و آبروی خود، ما به بگذارد تا آیت الله خمینی به هدف جنگی خود برسد؟

شوروی خوب می داند که آیت الله لایبیا پدر همین سرزهای بین المللی ایران و عراق متوقف شود، وگرنه هرگز متوقف نخواهد شد. شوروی خوب می داند که بی ثبات شدن منطقه به وسیله صدور انقلابی اسلامی از نوع آنچه در ایران اتفاق افتاد، چه بیامدهای خواهد داشت.

علی اکبر ولایتی لایبیا پدر این قدر شعور داشته باشد که این حرفها را بفهمد. و رهبران شوروی بیگمان در مذاکرات "صریح و جدی" این حرفها را به وزده اند. ولایتی بیش از رفتن به این سفر به دیدار خمینی رفت، ولی فاش نشده که در این دیدار چه گذشت. ولایتی پس از بازگشت از این سفر نیز احتمالاً به دیدار خمینی رفت و به وی حرفها را زده است که خمینی اصلاً "دوست ندارد بشنود."

محمودیه مثلاً به حمله به سیاست رفسنجانی تلقی شده است. مهدی هاشمی وعده زیادی از ایران نزدیکی ظاهر "بنا به خواست رفسنجانی در مهرماه گذشته به جرم خیانت و سوءاستفاده از قدرت دستگیر و زندانی شده اند.

واشنگتن پست - ۵ فوریه ۸۷

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۱۱۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۵۵ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)
 نام خانوادگی: Nom
 نام: Prénom
 آدرس: Adresse:

ما بایلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال () به مدت شش ماه () به حساب شماره حسابی زیر شماره حسابی نشریه () قیام ارسال می کرده.

تاریخ امضاء

شماره حسابی:

QYAM IRAN
 C.C.P No: 2400118/E
 PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
 Crédit du Nord
 78, Rue de la Tour
 75116 Paris
 Compte No: 11624700200

توجه لازم

تصانید تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حسابی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

سخاوت احمد خمینی

بقیه از صفحه ۸

رفسنجانی گرفتار منتظری و خامنه ای با هر ترکیب قابل تصور دیگری، خود را در تداوم اس انقلاب و اس رژیم - در شورویسم، در جنگ، در اخلاق - پس از آن در کسر کرده اند که بنوا سدره خسود را از آن جدا کنند، و کسی که راه خود را از این انقلاب و رژیم جدا نکند، راه جز سقوط درسی ندارد. ممکن است به دیده ناظران غربی، موقعیت رفسنجانی در سرد قدرت مساعذرا موقعیت منتظری باشد، این بدان می ماند که نظامی در سلسله جاری بگوئیم که موقعیت کوه در آن مساعذرا ز موعیت وزغ است، اس به جای خود، ولی هیچ یک از این دو در موقعیتی نیست که بتواند سیل را مهار کند.

سروری سطحی بر سران نشینی که در کشور بیار آمده است، هنگامی که در با عمق فاحشه ای که انقلاب اسلامی و حکومت برآمده از آن

بقیه از صفحه ۱

در لبنان محنت زده، که فعلا" میسدان ترکنازی کشورهای خارجی است، "تری ویت" نماینده اسقف کاتولیک نترسوری، چهار معلم آمریکا می و دو بازرگان آلمانی به اسارت گروگان گیرها درآمدند.

"تری ویت" که سال گذشته نیز برای آزادی گروگان های آمریکا می در لبنان اقدام کرده بود با سران گروه های مسلح حزب اللهی در لبنان آشنا می نزدیک داشت، تصویری کردستوا ندیکبا ردیکر کاری درین زمینه انجام دهد و با وجود آنکه سفیر انگلیس در لبنان به وی اظهار کرده بود شرایط نسبت به سال پیش خیلی فرق کرده است، خطر کردوبه بیروت رفت و عازم گشت و گویا آدم ربایان شدولی خود او دیگر برنگشت، بقول سعدی:

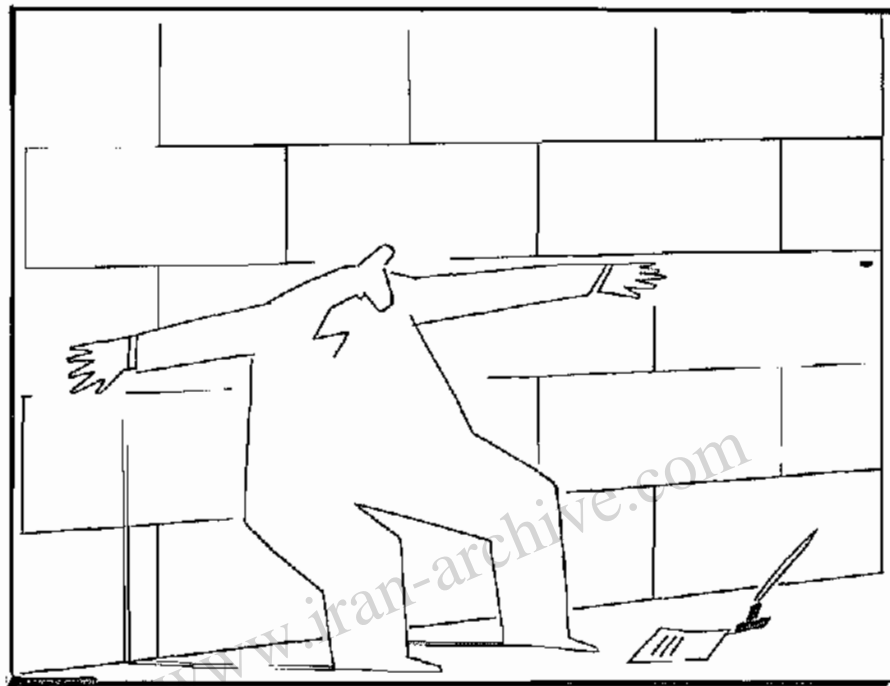
دام هر با رماهی آوردی
ماهی این بار رفت و دامی آوردی
چرا چنین تصویری برای "تری ویت" و عالیجناب اسقف کاتولیک نترسوری پیش آمده بود که علی رغم اخطار سفیر انگلیس در بیروت کاری از دستشان ساخته است و در هر حال، اگر هم سفر تری ویت کار ساز نباشد خطری در بر نخواهد داشت؟ برای اینکه اسقف کاتولیک نترسوری مثل پاپ اعظم دربار شخصیت خمینی و فرقه خمینی به دچار اشتباه شد.

اکثر رهبران مذهبی و سیاسی جهان هنوز آیت الله خمینی را نشناخته اند. آنها گمان می کنند خمینی چون عنوان آیت الله و فقیه و امام در دروغت روحانی می باشد اخلاقا "هم مقید به معنویست و روحا نهیت است. خیال می کند آیت الله خمینی به سیاستمداران بدبین است ولی به مذدیبون احترام می گذارد و شان و مقام آنها را مراعات می کند. خیال می کنند انترنسی از طرف پاپ اعظم اسقف کاتولیک نترسوری عنوان نمایندگسی داشته باشد در خواهد بود از زبان مشترک، اهل مذهب بهره بگیرد و با آیت الله خمینی یا اطرافیان و دست پروردگان و پیروان منتصب وی با بگفت و گو بگشاید.

آزما تصور کرده باشی

چنین اشتباهی را اولین بار "جیمی تاوتر" مرتکب شد که وقتی لوج ربودن آیت الله خمینی را بمنظور مبادله با گروگان های آمریکا می به عرضه کردند گفت خمینی یک شخصیت روحانی است و با شخصیت روحانی نباید همچو معامله می کرد، بعد هم با زبا همین

آیت الله خمینی را تشویع کرد که حربه گروگان گیری را در موا رد دیگر هم بکار گیرد. این عقیده درستی است ولی در عین حال باید قبول کرد که تساهل جیمی کار تر در قبال مسأله گروگان گیری و اشغال سفارت آمریکا مثل تساهل شیخ سعدی با



تصوراً زبا بمنظور وساطت در میان آزادی گروگان ها کمک خواست و پات نماینده ویژه ای را با پیام احترام آمیزی به دیدار آیت الله خمینی فرستاد ولی آیت الله، ازین فرصت برای تحقیر پاپ و کارتر، استغفا ده کرد و جلوی دوربین های تلویزیونی مقصداری نیجا ره هر دو تحویل داد و دنیا بیننده و تیکان را دست از زبا ترسباز کردانید.

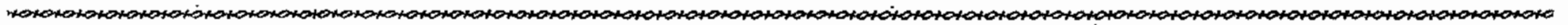
امروز عقیده عمومی بر اینست که آمریکا در قبال نخستین گروگان گیری آیت الله بشدت ضعف نشان داد و همین

آن سرک گستاخ چندان خوش عاقبت نبوده است. طبق یک روایت عامیانه، شیخ سعدی روزی از با زار می گذشت، بزرگ چشم دریده می هوس کرد دستی به او برساند. سعدی هیچ عکس العمل خشم آمیزی ابراز نکرد. در کمال ملایمت ده درهم به بزرگ داد و گفت: "از ما نخورده باشی!" بزرگ تشویع شد، با خودش گفت وقتی شیخ یک لاقبا می بخاطر این عمل ده درهم می دهد لابد شاخص محتشم بیشتر خواهد داد. روز بعد، در با زار به ده روغ نیز دستی رساند. داروغه گفت او را گرفتند و

دستش را بریدند! گروگان گرفتن ۵۲ آمریکایی در تهران اگر چه فرصت بی مانندی برای خودنمایی و بازیگری در اختیار آیت الله خمینی قرار داد ولی در نهایت امر، دودش به چشم ایران رفت و کشور ما آنچنان غرامت سنگینی با ست با زی غیر عاقلانه آیت الله پرداخت که هیچ کاری آن را در حق دشمن خود روا نمی شمرد.

زبان هایی که از رهگذر گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا به ایران رسید قابل احماء نیست. تعهداتی که ایران در بدترین وضعیت مجبور شد بموجب قرار داد الجزایر بدهد فقط جزئی از آثار شوم گروگان گیری است. آنچه درین هفت سال برای ایران رسیده هستی کشور و ملت ما را به آتش کشیده پیامد همان عمل ابلهان گروگان گیری است. عربها ضرب المثلی دارند که منکوبه قتل از یک سوراخ دوبا رگزیده نمیشود، ولی جا هل، چنان که می بینیم، اگر ده بار هم ز سوراخی گزیده شود بسیار انگشت در همان سوراخ می کند.

گروگان گیری، تروریسم، شانتاژی چکدام از ابداعات رژیم آیت الله نیست. اینها پدیده های خیلی کهنه است که بیرون کشید و رو اردن با جدید کرد. منتهی آنکه در این با زی لطمه می خورد برخلاف تصور و ادعای آیت الله، دنیای پیشرفته نیست. یک بیلان هفت ساله جوی چشم شماست. برنا رید ببنید کی درین معامله ضربه است. تعداد آمریکا شها و فرا نوسیها و انگلیسی ها و آلمانی ها که در طول این مدت گروگان گرفته شده اند به مدتن نمیرسد. یکی دوتن از آنها بر حسب تصادف مرده اند و دیگران، بعد از مدتی با سلام و صلوا آزاد شده اند. اما اینطرف، ملتی خرد و خمیر شده و همه چیزش را بهای این بازیها احمقانگه جماعتی زبان نفهم با تفکرات و سیاست های قرون وسطایی خود بسر او تحمیل کرده اند دست داده است.



محموله آنها، تولید کنندگان فرانسوی جنگ افزار ایران داشت تا راه مسای جدید عملی دیگری برای ارسال سلاح به ایران بیا بند. یکی از این راه ها استفاده از زبا در بلژیک بود. از آنجا که بلژیک و فرانسه هر دو عضو سازمان همکاری هستند، حمل و نقل کالا بین دو کشور در کمال سهولت و بدون تشریفات گمرکی انجام میشود. شرکت "لوسر" شعبه ایتالیا می شرکت اروپایی جنگ افزار معروف به "سه" به سرعت از این امکان برای رساندن خمپاره های ۲۰ و ۱۵۵ میلی متری به جمهوری اسلامی استفاده کردند. از آنجا که ارسال سلاح به جمهوری اسلامی با بارنا هم مقصد عملی انجام می گیرد، در بندر "زبروز" کنترل جدائی در مورد این محموله ها عمل نمی شود. تولید کنندگان سلاح در دیگر کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، هلند، آلمان غربی و سوئد از راه دیگری نیز برای ارسال مخفیانه جنگ افزار به جمهوری اسلامی استفاده می کنند. محموله های

محموله آنها، تولید کنندگان فرانسوی جنگ افزار ایران داشت تا راه مسای جدید عملی دیگری برای ارسال سلاح به ایران بیا بند. یکی از این راه ها استفاده از زبا در بلژیک بود. از آنجا که بلژیک و فرانسه هر دو عضو سازمان همکاری هستند، حمل و نقل کالا بین دو کشور در کمال سهولت و بدون تشریفات گمرکی انجام میشود. شرکت "لوسر" شعبه ایتالیا می شرکت اروپایی جنگ افزار معروف به "سه" به سرعت از این امکان برای رساندن خمپاره های ۲۰ و ۱۵۵ میلی متری به جمهوری اسلامی استفاده کردند. از آنجا که ارسال سلاح به جمهوری اسلامی با بارنا هم مقصد عملی انجام می گیرد، در بندر "زبروز" کنترل جدائی در مورد این محموله ها عمل نمی شود. تولید کنندگان سلاح در دیگر کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، هلند، آلمان غربی و سوئد از راه دیگری نیز برای ارسال مخفیانه جنگ افزار به جمهوری اسلامی استفاده می کنند. محموله های

در این حال به گزارش خبرگزاری فرانسه وزیران امور خارجه دو راهی بلژیک به این عنوان که دولت بلژیک هنوز منتظر نتیجه تحقیقات دربار ره فروش سلاح به جمهوری اسلامی است از دادن هرگونه توضیحی در این باره خودداری کردند. یادآوری می کنیم که پس از نخستین افشاکری ها دربار ره فروش سلاح به بلژیک به رژیم تهران "لوثیندمن" وزیر امور خارجه بلژیک، دو ماه قبسل دستور داد تحقیقاتی در این باره آغاز شود. به نوشته روزنامه "لوسور"، افشاح قرون مهمات از سوی شرکت فرانسوی "لوسر" به جمهوری اسلامی و متوقف شدن چندین کشتی حامل مهمات در بندر "شبروک" فرانسه و توقیف

تاجاق اسلحه

روزنامه بلژیکی "لوسور" در شماره ۶ فوریه فاش کرد که جمهوری اسلامی به وسیله دوشبکه اروپایی، یکی از طریق بندر بلژیکی "زبروز" مهمات فرانسوی دربار ره می کند و دیگری از طریق فرودگاه "لیل" واقع در فرانسه، سلاحها ساخت دیگر کشورهای اروپایی تحویل میگیرد. دو خبرنگار روزنامه "لوسور" که در این زمینه دست به تحقیقات مفصلی زده اند استناد به دفاتر شرکت لوسر لندن و بررسی های مخفیانه گمرکی در مقاله خود شرکت مهمات سازی "لوسر" فرانسه را متهم کردند که بطور مخفیانه جنگ افزار به جمهوری اسلامی تحویل داده است.

شرکت لوسر سال گذشته نیز از سوی مجله اکسپرس چاپ فرانسه متهم شده بود که از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ تعداد ۴۵ هزار کتوله خمپاره و توپ به جمهوری اسلامی فروخته است. روزنامه لوسور چا بلژیک می افزاید: پس از آن که ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه اند اسلحه فروشان فرانسوی دربار ره سال گذشته میلادی مقادیر مهمی جنگ افزار از طریق بندر بلژیکی "زبروز" به جمهوری اسلامی تحویل داده اند.

نشانی: QYAM IRAN C/O G.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد